

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه شماره ۵۷ خود اعلام کرد: دو نفتکش متخلف مورد اصابت قرار گرفته و متوقف شدند و ۴ نفتکش متخلف به سرعت برگشتند.

متن کامل این اطلاعیه به شرح زیر است:

بسم الله قاصم الجبارین

و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه

مردم غیور و تاریخ ساز ایران اسلامی در نیروی دریایی سپاه، ضمن استمرار اعمال مدیریت کامل بر تنگه هرمز، همچنان از امانت شما ملت مومن و بیدار ایران اسلامی پاسداری می کنند.

ساعات ابتدایی امروز دو نفتکش متخلف تحت تاثیر اغواگریهای سنتکام به خیال اینکه می توانند از مسیر غیر اعلامی تحت اسکورت هوایی ارتش کودک کش و تروریست امریکا بدون توجه به اخطارهای ما، در مسیر ناامن و غیرقانونی حرکت کرده و از تنگه هرمز عبور کنند، مورد اصابت قرار گرفته و متوقف شدند و ۴ نفتکش دیگر به سرعت تغییر مسیر داده و به محل خود بازگشتند.

شب گذشته در پاسخ به بیانیه کذب سنتکام به اطلاع همه مالکان شرکت های کشتیرانی و بیمه رساندیم که به اطلاعیه های سنتکام توجه نکنید و از کسانی که فریب خورده اند و دچار حادثه شده اند سوال کنید.

نیروی دریایی سپاه بار دیگر اخطار می کند، مداخلات و امر و نهی های غیرقانونی ارتش کودک کش امریکا به شناورها در منطقه بی پاسخ نخواهد ماند.

و ما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم

ترک کویت

وال استریت ژورنال: آمریکا کاهش حضور در کویت را بررسی می کند

تنگه هرمز و پایداری کشاورزی جهان

چرا تنگه هرمز برای پایداری کشاورزی جهان اهمیت دارد؟

کاهش ۶۵ درصدی موشک های پاتریوت



ترامپ اعتراف کرد؛

ایرانی ها توانمند هستند و تسلیم نمی شوند

بهشت زهرا پر شد!

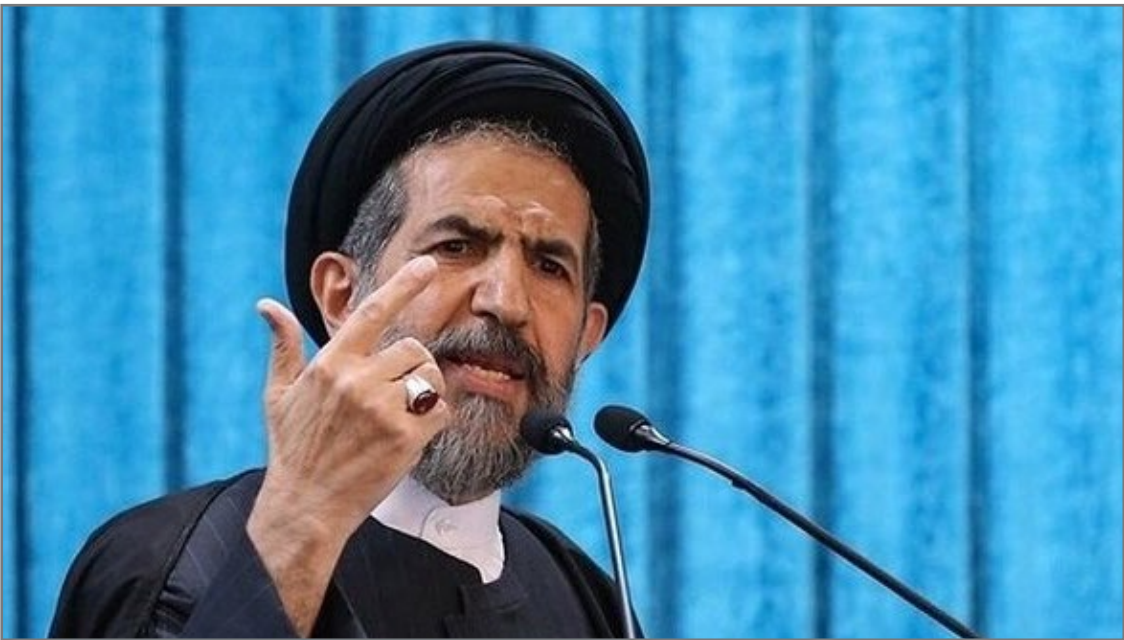
اما و اگرهای پر شدن ظرفیت دفن در بهشت زهرا (س)

آمریکا دست به دامان اوکراین

برای جبران غافلگیری پهبادی مقابل ایران



موازنه قدرت با ترکیب اقتدار نظامی و دیپلماسی



حجت الاسلام سید محمدحسن ابوترابی‌فرد در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران که در مصلای امام خمینی (ره) برگزار شد، اظهار کرد: صبر در منطق دین و قرآن به معنای شناخت وظیفه و انجام شایسته تکلیف با هدف اطاعت امر خداوند است.

وی ادامه داد: اگر انسان در قله ایستادگی و استقامت برای انجام شایسته وظایف خویش قرار گرفت، در قله صبر قرار دارد.

خطیب نماز جمعه تهران با بیان اینکه صبر با وظیفه‌شناسی پیوندی استوار دارد، تصریح کرد: عاشورا، عالی‌ترین و فاخرترین نماد صبر، وظیفه‌شناسی، استقامت و مقابله با باطل است.

حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد ادامه داد: جریان عظیم اربعین ذیل این قله‌های رفیع غلالتین، ایمان، وظیفه‌شناسی و ایستادگی و ایثار معنا پیدا کرده است.

وی با بیان اینکه در عاشورا، مردان و زنانی بودند که حق را شناختند و برای دفاع از حق و مقابله با باطل همه هستی خود را با عالی‌ترین مرتبه از اخلاق و انگیزه الهی گذاشتند، گفت: عاشورا زنده است، اگر شهادت امام حسین (ع) و یارانش نبود، اسلام در حیات سیاسی و اجتماعی انسان‌ها حضوری کم رنگ داشت.

حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد در ادامه، تاکید کرد: آینده از آن ملت بزرگ ایران است، مشروط بر آنکه موفقیت‌های امروز را پاس داریم و با هوشیاری و همبستگی از دستاوردهای ارزشمند خود سیانت کرده و آن را تقویت کنیم.

وی تصریح کرد: برای پیروزی در میدان باید مجموعه‌ای از متغیرهای قدرت اعم از سطح بازدارندگی، آمادگی دفاعی، انسجام ملی، سرمایه اجتماعی و افکار عمومی را به صورت یک منظومه واحد مورد توجه قرار داده و آن را حفظ و تقویت کنیم.

امام جمعه موقت تهران افزود: نقشه راه اصلی دشمن تمرکز بر کاهش سرمایه اجتماعی با تعمیق شکاف‌های اجتماعی و اختلافات سیاسی و کاهش اعتماد مردم به مسئولان است. بر همین اساس، مقام معظم رهبری با اصرار بر وحدت کلمه و اتحاد مقدس، پرہیز از اختلافات سیاسی را از اصولی‌ترین امور و وظایف همگانی دانست‌اند.

حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد اظهار کرد: آنچه آتش سلاح واشنگتن و تل‌اویو را خاموش می‌کند و موازنه قدرت را به نفع ایران پایدار می‌کند، آتش سهمگین موشک‌ها، تثبیت پیروزی نظامی و تبدیل آن به دستاورد سیاسی در میز دیپلماسی است.



شهید کاظمی آئینه مجسم جرأت و شجاعت

■ امیر «علیرضا شیخ» معاون اجرایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در یادداشتی، شهید امیر سرتپ «مجید کاظمی» و همزمانش را، اسطوره‌های بی پایان این سرزمین خواند و به تجلیل از اقدام قهرمانانه آنان پرداخت.

متن این یادداشت به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

«اسطوره‌ها ساخته نمی‌شوند بلکه در بزنگاه‌های تاریخی یک سرزمین، از دل حوادث، متولد می‌شوند؛ این حکایت حماسه‌سازان و رزم‌آورانی است که سوار بر زین آسمان، با دستان بی قریضه شمشیر نور، لگام بر گردن باد زدند و در افق بی‌انت‌های وطن، فریاد بر آوردند که «بگوئید این جمله در گوش باد؛ چو ایران نباشد، تن من مباد.» ابتدا با تمام وجود، دستم را سایبان صورت کرده و ادای احترام می‌کنم به تجلی واژه مردانگی، شجاعت، غیرت، ایثار و عشق به مام وطن که در شولای قهرمانی بر قامت خلیان شهید مجید کاظمی و سه هم‌رزم ایشان در خلق حماسه ۱۱ اسفند ۱۴۰۴ منعکس شد.تاریخ این سرزمین در بزنگاههایی که حیات تمدن آن به خطر افتاده، شاهد تولد اسطوره‌هایی است که جهان را انگشت به دهان کرده و دشمنان را به ستایش مردانگی و قهرمانی آنان واداشته است. امروز مردم مهربان شیراز، میزبان پیکر اسطوره‌ای از جوانمردان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران هستند که درس دفاع از وطن را در مکتب شهید عباس دوران گذراند و آئینه مجسم جرات و شجاعت شد.خلیان شهید مجید کاظمی از نخبگان پروازی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که ناشی را بر نیزه افتخار این خاک هک و تا همیشه تاریخ پرچم عزت و غیرت را در این سرزمین بر افراشته کرد. داستان زندگی این اسطوره‌ها قصه یک پرواز نیست، شرح واقعه یک معجزه در صحنه جنگ‌های هوایی است، واقع‌ای که روح بلند یک سرباز ایرانی را در برابر تمامی قابلیت‌های فناوریانه دشمن به نمایش گذاشت و برتری ایمان درمقابل فناوری را در ترجمه کرد!او می‌دانست هر چه بیشتر اوج بگیرد حلقه محاصره موشک‌ها و چشمان بی‌خواب پهناده‌ها، مسیر او را، چون خط سرنوشت خواهند خواند. او با چشمان باز به حلقه دشمن زد و هواپیمای را، چون اسبی تیزنک، در دل ازدهای فناوری فرو برد و نام سرباز ایرانی را که نماد تهور و مردانگی است بار دیگر به رخ جهانیان کشید.این تهور و از خود گذشتگی ترجمه پیروزی خون بر شمشیراست و قهرمانی که شهادت را آغاز پروازی دیگر دید و با سینه‌ای لبریز از تکبیر به سمت هدف شیرجه زد و پیش از آنکه شمله‌ها کالین را ببلعند، جان را به معبود سپرد تا جسوس غبار تاریخ شود و نامش بلند حماسی و تاریخی این تمدن کهن:

امروز هر بار که یاد بر فراز آسمان این کشور می‌وزد!بال‌های سوخته اوست که بر شانه سربازان این مرز و بوم نهنیت پیروزی می‌خواند و سربازان این سرزمین این حماسه را با خود زمزمه میکنند که "هر جا که ایمان باشد آسمان میدان پرواز بی‌پایان است؛ و این حماسه سربازی، زمزمه مادران این مروزبوم خواهد بود در گوش نسل آینده، با ترم این اشعار بلند حماسی و تاریخی این تمدن کهن:
بلند، آنان که از این پیش بودند..... چنین بستند راه ترک و تازی
از آن این داستان گفتم که امروز..... بدانی قدر و برهیچش نباری
به پاس هر وجب خاکی از این ملک..... چه بسیار است، آن سراها که رفته!
ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک..... خدا داند چه افسرها که رفته.

تحلیل شکست آمریکا در تقابل با ایران

■ جان مرشایمر نظریه‌پرداز و دانشمند علوم سیاسی آمریکا اخیراً گفته است: آمریکا با چهار هدف وارد جنگ با ایران شد؛ «اول، تغییر رژیم در ایران، دوم، از بین بردن توانایی ایران برای غنی‌سازی اورانیوم، سوم، پایان دادن به حمایت ایران از حوثی‌ها، حزب‌الله و حماس و چهارم نیز، متوقف کردن برنامه موشک‌های دوربرد ایران.»

این نظریه‌پرداز آمریکایی می‌گوید: «ما در هر چهار مورد شکست خوردیم، علاوه بر این، تا ۲۷ فوریه (۹ اسفند) ایران کنترلی بر تنگه هرمز نداشت، اما اکنون کنترل تنگه هرمز را در اختیار دارد، فراتر از آن، ساختار پایگاه‌های نظامی ما در منطقه عملاً از هم پاشیده است، شبکه ائتلاف‌های ما در منطقه نیز متلاشی شده است.»

در گزارش زیر به بررسی تحقّق اهداف آمریکایی‌ها در جنگ ۹ روزه و همچنین تشریح وضعیت توانمندی‌های کشورمان پرداخته‌ایم:

■ تلاش برای سقوط نظام اسلامی

آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها در ۹ اسفند خیال می‌کردند می‌توانند با ترور امام شهید امت (که البته فقدان ایشان ضایعه سنگینی است)، ساختار نظام اسلامی را از هم بپاشند، راه دست‌یابی به اهدافشان را هموار کنند و شکست در جنگ ۱۲ روزه را جبران کنند.

اما در مقابل این هدف، نظام اسلامی چه اقداماتی انجام داد؟ بعد از شهادت قائد امت، طبق قانون اساسی کشورمان، شورای موقت رهبری با حضور رؤسای قوای مجریه و مقننه و همچنین حضور یکی از فقهای شورای نگهبان تشکیل شد تا اسورات کشور پیش برود و همین مهم صورت گرفت.

بعد از تلاش‌های آشکار دشمن برای عدم‌انتخاب رهبر برای کشورمان با حمله به اماکن جلسات مجلس خبرگان رهبری، اما سرانجام این مجلس حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی‌خامنه‌ای را به رهبری نظام اسلامی برگزید و نبود رهبر در ساختار کشور جبران شد کشور حدود ۹ روز با شورای موقت رهبری اداره شد و ساختار نظام اسلامی به‌قدری مستحکم بود که با وقعه دردناک ترور امام شهید امت توانست راه را ادامه دهد.

■ هدف بعدی: نابودی توان هسته‌ای ایران

ماجرای توان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بیش از ۲۰ سال است که مطرح شده است و دشمن برخودار از بمب هسته‌ای نمی‌تواند ببیند که ایران از فناوری هسته‌ای مسلح‌آمیز استفاده می‌کند. قضیه هسته‌ای ایران فراز و فرودهای زیادی داشته است و درباره آن سال‌ها گفت‌وگو، توافق و مقاومت صورت گرفته است.

دشمن مقابل این فناوری ایران، انواع ابزارها از جمله تحریم، خرابکاری، ترور دانشمندان، جنگ، بمباران و… را به‌کار گرفته است تا ایران، هسته‌ای نباشد اما باز هم ناکام مانده و نتوانسته است زیرساخت‌ها و فناوری هسته‌ای ایران را نابود کند، سرآخر مجبور شد بعد از ۳ ماه گذشته، به میدان مذاکره بیاید تا تأثیری بر روند هسته‌ای کشورمان بگذارد که مذاکره در موضوع هسته‌ای نیز منوط به اجرای مرحله اول تفاهم و عمل



سلامی فرمانده کل وقت سپاه، سپهبد رشید فرمانده قرارگاه خاتم، سرلشکر حاج‌زاده فرمانده وقت هوافضای سپاه و دیگر معاونین ستادکل نیروهای مسلح ترور شده و به شهادت رسیدند اما امام شهید امت سرپا جایگزین‌ها را منصوب فرمودند و نواخت موشکی ایران ک‌تر از ۱۶ ساعت از آغاز جنگ علیه مواضع اسرائیل در اراضی اشغالی شروع شد. آمریکایی‌ها در خیال‌شان می‌پنداشتند اگر رهبری نظام را ترور کنند سیستم نظامی و موشکی ایران فلج می‌شود و امکان دست‌یابی به اهداف استیکاری‌شان فراهم می‌شود اما واقعیت چیز دیگری بود، جنگ ۹ اسفند ساعت ۹،۳۰ شروع شد و شاهد بودیم دو ساعت بعد از آغاز جنگ در حالی که فرمانده‌کل قوا و فرماندهان عالی‌رتبه نظامی به شهادت رسیدند عملیات موشکی و پهنادی علیه پایگاه‌های آمریکا و اسرائیل با حجم گسترده‌ای شروع شد.

توان موشکی نیروهای مسلح‌مان در حدی قرار دارد که بعد از ۴۰ روز جنگ تمام‌عیار و گسترده، عملیات علیه تمامی پایگاه‌های آمریکا در منطقه و پادگان دولت شریر آمریکا در منطقه (اسرائیل) نهایتاً از توانش کاسته نشد بلکه اصابت‌ها روزبه‌روز دقیق‌تر و کشنده‌تر می‌شود.

در تعریف و تبیین توان موشکی جمهوری اسلامی همین بس که از تاریخ ۱۷ تیر ۱۴۰۵ یا ۳۱ تیرماه (بعد از نقض تفاهم از سوی طرف آمریکایی) و عملیات نصر، بیش از ۳۰۰ ترورست آمریکایی در منطقه به هلاکت رسیدند و آمار زخمی‌ها نیز چندین برابر است.

با گذشت حدود ۱۵۰ روز از ۹ اسفند و جنگ منطقه‌ای، آمریکا و اسرائیل نهایتاً به اهدافشان نرسیدند بلکه بخشی از قدرت اصلی جمهوری اسلامی ایران نمایان می‌شود و بر دشمن ناکام‌هنده، می‌تازد.

■ اشتباه راهبردی آمریکا و عیان‌شدن ظرفیت راهبردی ایران

البته نکته بسیار مهم که از تصور جهان‌پان خارج بود، این‌که کسی فکر نمی‌کرد ایران تنگه هرمز را وارد معادلات کند. از ظهر روز ۹ اسفند که جنگ ۴۰ روزه آغاز شد، سریعاً و با اقدام قاطع ایران تنگ هرمز بسته شد. تنگنایی که آمریکایی‌ها هم‌اکنون در آن گرفتار شده‌اند، محصل اقدام علیه ایران است که منجر به بسته‌شدن تنگه هرمز شد.

ترامپی که می‌خواست ۴ روزه کار ایران را تمام کند، حالا بدنبال مذاکره با ایران است تا بتواند تنگه هرمز را باز کند.



بزرگ‌ترین سرقت تاریخ انقلاب

■ تهران در تپوتاب انقلابی می‌سوخت که هنوز جوهر قانون اساسی‌اش خشک نشده بود. در این میان، آیت‌الله سید محمود طالقانی، سیمایی منحصربه‌فرد داشت؛ مردی با چهره‌ای مصمم، پیشینه‌ای از سال‌ها زندان و شکنجه، و نفوذی فوق‌العاده میان توده‌های مردم و جوانان پرشور. او یک سرمایه اجتماعی بی‌نظیر بود. اما در این میان، یک سازمان بیش از همه، خیمه‌شب‌بازی رسانه‌ای پیچیده‌ای را برای سو استفاده از این پیرمرد مجاهد آغاز کرد؛ جریانی که بعدها به نام منافقین شناخته شد.

وقتی میلیون‌ها نفر نماز می‌خواندند، منافقین روایت می‌ساختند

پنجم مرداد ۱۳۵۸، دانشگاه تهران شاهد واقعه‌ای تاریخی بود. ایده اولیه از سوی خود آیت‌الله طالقانی مطرح شد، اما این امام خمینی بود که صریحاً و رسماً حکم اقامه اولین نماز جمعه پس از سقوط دیکتاتوری پهلوی را به نام ایشان صادر کرد. نماز جمعه در اندیشه انقلاب، نماد پیوند سیاست و عبادت و میعادگاه وحدت امت بود. استقبال مردم فراتر از حد تصور بود؛ بیش از یک میلیون مسلمان در کنار هم روی خاک و آسفالت داغ دانشگاه نشستند تا تا اولین نماز جمعه را بخوانند.

اما درست در حاشیه این وحدت بزرگ، در اتاق‌های تاریک رسانه‌ای سازمان، یک نبرد پنهان کلید خورد؛ نبردی که هدفش نه تکریم نماز، بلکه تصاحب و مصادره این اجتماع عظیم به نفع یک جریان خاص بود.

آن‌ها با یک راهبرد رسانه‌ای کاملاً حرفه‌ای و البته کثیف، دست‌به‌کار شدند. اولین گام، سانسور و حذف بود؛ در هیچ‌ک از گزارش‌های سازمان اسمی از ارتباط امام خمینی و آیت‌الله طالقانی یا حکم صریحی که امام برای ایشان صادر کرده بود به میان نیامد تا نقش رهبری امام کاملاً کمرنگ شود. گام دوم، تقطیع و تحریف و حذف بود؛ سازمان مفاهیم عبادی و اصیل نماز جمعه را به صورت گزینشی برش می‌زد و آن‌ها را به مفاهیم سیاسی و شعارهای انحصارطلبی منظر خود گره می‌زد و جایی که با مبانی فکری خود همخوانی نداشت را حذف می‌کرد.

آن‌ها گزارش نماز جمعه را به صورت کاملاً هدفمند در صفحه دهم نشریه مجاهد و دقیقاً در کنار مقالات تئوریک خود (مانند ضرورت شوراهای کارکنان یا تئوری‌های چپ‌گرایانه) قاب می‌گرفتند تا به مخاطب القا کنند گفتمان طالقانی همان گفتمان سازمان است. همچنین عکس‌هایی به حالت تگراتی از ایشان چاپ می‌کردند تا وی را رنگار روند انقلاب و همسو با دغدغه‌های خود نشان دهند و حتی پیش از آنکه خود آیت‌الله موافقت کند، نام او را در صدر لیست کاندیدهای انتخابی خود قرار دادند. با چسباندن واژه عاطفی و استراتژیک پدر طالقانی، آن‌ها تلاش کردند یک روایت ساختگی و رسانه‌ای خلق کنند تا برای عقاید خود مشروعیت دینی بخزند. اما اینجا یک سوال اساسی شکل می‌گیرد: آیا واقعا آیت‌الله طالقانی همان کسی بود که سازمان در ویرترین رسانه‌هایش معرفی می‌کرد؟

پشت وپرتین: نزاع بر سر دو جهان‌بینی

برای یافتن پاسخ این سؤال، نباید و نمی‌توان به عکس‌های روتوش‌شده و تیرهای فریبنده بسنده کرد. برای فهم حقیقت، باید ماسک‌های رسانه‌ای را برداشت و به سراغ مبانی فکری و لایه‌های عمیق اعتقادی آیت‌الله طالقانی رفت. باید دید در مغز متفکر این عالم مجاهد چه می‌گذشت.

با مطالعه مبانی آیت الله طالقانی، دو دستگاه فکری کاملاً متضاد در برابر هم صف‌آرایی می‌کنند.

آیت‌الله طالقانی، بنیان‌دست امام خمینی، اسلام را دینی می‌دانست که همه ابعاد زندگی انسان را بر محور توحید وحی، عالم غیب و هدایت الهی سامان می‌دهد. از نگاه او، حقیقت، عدالت، اخلاق و ارزش‌های انسانی، اموری ثابت و ریشتر در اراده الهی‌اند؛ نه محصول تحولات اقتصادی و نه ساخته ذهن انسان.

اما سازمان منافقین، هرچند از واژگان اسلامی استفاده می‌کرد، شالوده فکری خود را بر مبنایی کاملاً متفاوت بنا کرده بود؛ همان ماتریالیسم دیالکتیک که همه تحولات جامعه، فرهنگ، اخلاق و حتی دین را در نهایت زائیده اقتصاد و مناسبات مادی می‌داند. در این نگاه، حقیقت ثابت و معیار همیشگی برای حق و باطل وجود ندارد و همه چیز تابع تغییرات مادی و تاریخی است.

نکته مهم اینجاست که آیت‌الله طالقانی دقیقاً همین مبنا را در کتاب پرتوی از قرآن نقد می‌کند. او تصریح می‌کند که اگر حقیقت و عدالت بر پایه اصول ثابت الهی استوار نباشد و همه چیز تابع منافع و تحولات مادی شود، دیگر نه اخلاق معنای ثابتی خواهد داشت و نه عدالت؛ نتیجه چنین نگاهی چیزی جز گسترش تعارض، جنگ و سرگردانی انسان نیست.

اما نقد طالقانی تنها یک اختلاف فلسفی نبود. او یک گام فراتر می‌رود و هشدار می‌دهد که ماده‌پرستی، فرمول‌پرستی و تبدیل علم یا اقتصاد به معیار نهایی حقیقت، شکل جدیدی از بت‌پرستی است. از نگاه او، همان‌گونه که انسان دیروز در برابر سنگ و چوب سر تعظیم فرود می‌آورد، انسان امروز نیز ممکن است در برابر فرمول‌های مادی، ایدئولوژی‌های بشری یا اقتصاد زانو بزند و آن‌ها را جایگزین هدایت الهی کند. به تعبیر او، این نیز نوعی شرک است؛ شرکی مدرن با ظاهری علمی.

از همین رو، آیت الله طالقانی بارها در تفسیر خود، جهان‌بینی مادی را در نقطه مقابل ایمان معرفی می‌کند. او باور به عالم غیب، وحی، فرشتگان، هدایت الهی و نقش خداوند در اداره عالم را از ارکان ایمان می‌شمارد. طبیعی است که دستگاه فکری‌ای که اساسا این ساحت را انکار می‌کند، از منظر او نمی‌تواند ادامه همان مسیر توحیدی باشد؛چ به همین دلیل، اختلاف آیت‌الله طالقانی با سازمان منافقین، اختلاف بر سر یک تاکتیک سیاسی، یک برنامه اقتصادی یا حتی شیوه اداره کشور نبوده اختلاف بر سر بنیادی‌ترین پرسش‌ها بود: انسان چیست؟ حقیقت از کجا می‌آید؟ منشأ حق و باطل کدام است؟ آیا خدا و وحی محور زندگی‌اند یا ماده و اقتصاد؟

بیعت زنان با زینب کبری



پرچم پیروزی و عَلمِ توفیقِ نهضتِ حسینی، به دستان مبارک حضرت زینب کبری سلام الله علیها برای تاسی انسان خصوصاً بانوان، حجتی است بالغ و دعوتی است آشکار ؛ آکنده از برهان، انگیزه و رشد و تعالی.

اربعین کارنامه درخشان استقامت زن برای زنده نگه داشتن کربلا است.

زینب کبری به زن آموخت که اگر به میدان نمی‌آمد، حسین در کربلا و کربلا در کربلا می‌ماند و نه تنها رسالت نبوی و ولایت علوی بلکه رسالت تمامی پیامبران، به فراموشی سپرده می‌شد.

و این همان راز بزرگ ولی مهجور در طول تاریخ است که از شدّت ظهور و بلندای قامت، دیده نمی‌شود.

این همان است که اگر نبود، مسیر هدایت بشر به صحرائِ ناکجا آباد می‌رفت و نه تنها اثری از توحید، نبوّت و امامت نبود، بلکه معاد نیز به سُخره گرفته می‌شد و عدالت زیر پای سفاقت، جان می‌داد.

تمام رسالت انبیاء، ختم به رسالت حضرت ختمی مرتبت شد و رسالت حضرت بُرّ اعظم رسول اکرم، ختم به» آنا مِن حسین« شد و قیامِ حسین، مدیون استقامت و «رسالتِ اولین و آخرین پیامبر زن»

یعنی زینب کبری شد ...

و اکنون یک سؤال بزرگ!

جای پای این بزرگ نجات بخش کربلا، و این احیاگر تمدّنِ حسینی در اربعین امروز کجاست؟!

کجاست نامِ این بُرّ زن، احیاگر مرد در این بَرنگاه تاریخ؟!

کجاست احیاگر رسالتِ حسینی، احیاگر رسالتِ نبوی و احیاگر رسالتِ تمام انبیاء. به راستی این نام در کجایِ این تمدّن جای دارد؟!

چرا نامِ صاحبِ میقاتِ اربعین، در اربعین شنیده نمی شود؟!!!

دیگر زمان آن رسیده که اسم مبارک این اسطوره ی حیات بخش کربلا، در اربعین به ظهور خود برسد. باید هر کجا نام اربعین برده می شود، نام مقدّس خاتون دوسرا زینب کبری نیز شنیده شود.

باید تسرّی و رفعت نام او در اربعین، ظهوری در خور قدر او، داشته باشد.

که اگر این قدر، همچنان مهجور و مسکوت بماند، اربعین به قَلمِ

دبیر مجمع جهانی حضرت علی اصغر(ع)؛ داود منافی‌پور در آستانه اربعین، با ارائه خوانشی نو از الهیات اربعین، حضرت زینب کبری سلام‌الله‌علیها را «صاحب اربعین» معرفی کرده و از رازِ قدرت‌سازِ بیعت زن در اربعین به‌مثابه سراغ‌از احیای تمدنِ مهدوی پرده برداشته است. متن این یادداشت در سطور ذیل آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

زن حقیقت آب است و مظهر اسم یا لطیف،

نماد حیات ، پاکی و ذاتِ بیعت است.

در این ایام شوق برانگیز اربعین حسینی، دوباره سوالی بزرگ در صحنه جهانی، اذهان عمومی را به سوی خود معطوف می‌کند. میلیون‌ها انسان اعم از زن و مرد، سیاه‌پوشان در مسیری به اندازه ی طول تاریخ، به سمت شهری می‌روند که کربلا نامیده می‌شود.

دیگر نام اربعین همچون سده های گذشته پنهان نیست، این حماسه ی جهانی که از حضور ملیت‌های مختلف شکل گرفته، کم کم نام کربلا ، حسین و اربعین را در دل و زبان جهانیان به عنوان تمدّنی اصیل و نوین مطرح می‌کند. اربعین به عنوان میثاقِ آخرالزمانی هاء آگاهی و بصیرت را با حقیقت حضرت حسین علیه السّلام گره زده و در حال شکوفایی است.

ولی گویی چیزی در این اشتغالِ آخرالزمانی برای انفجارِ بیداری بشر و تولّد دوباره ی جان‌ها پنهان است.

اربعین حسینی در حال آزادسازی نیرویی بس عظیم ولی نهفته در جهان خفته است. مانند آتش‌نشانی که قبل از فوران، نشانه حیات خود را با لرزش زمین نشان می‌دهد.

بغضی در گلوئی این اربعین پیچیده، که خود را برای رهایی و رها کردن مهیا می‌کند.

تا همه ی اهل زمین، آبشخور خود را بیابند و جان تشنه ی خود را سیراب کنند. به راستی این راز و این نیرو و این بغضِ برآمده از عشق چیست؟،

این سؤال بزرگ در اربعین، همان گه‌شده در تاریخ است ، این همان چیزی است که قدر او ناشناخته و مقام او نایافته است. و اگر این سرّ عظیم، از دل این اجتماع تمدّنی، بیرون بیاید، پیام بزرگ اربعین که زنده کننده پیام

عاشورااست، جلوه کرده و عقل را به دقّت و قلب را به رَقّت می‌اندازد و از این منظر ، سرّ ۱۴۰۰ اربعین گذشته که در اربعین اوّل نهفته است، کشف و راه به سوی مقصود، باز می‌شود.

بازگشت زینب کبری به کربلا به همراه دختران رسول خدا بعد از چهل روز با تحمّل شدیدترین مصائب و سخت‌ترین اسارت هاء، شهادتِ مظلومانه حضرت حسین بن علی را در طول تاریخ حیات بخشیّد و سعی و کید یزیدیان را نابود ساخت.

پس سیر عبور انسان از جهالت و حیرت ضلالت آغاز و به سمت عقل و عقلیگی رهسپار گردید.

از اربعین اول، سیر هدایت انسان جاهل و سرگردان، به حضرت عقیله ی بنی هاشم سپرده شد و ایمان مؤمن منوط به میثاق زیارت اربعین شده و نشانه ی مؤمن شدنش ، فهم رسالت حضرت زینب کبری سلام الله علیها در اربعین گردید.

آری این راز جز در این نام نیست؛

زینب کبری، حقیقت اربعین.



■ پدیده استعمار، امپریالیسم و سلطه‌گری علیه ملت‌های مستضعف، جریانی تاریخی با هزاران چهره آشکار و پنهان است که همچون تارهای عنکبوت بر تمام جوانب زندگی جوامع تحت سلطه تنیده می‌شود.

پدیده استعمار، امپریالیسم و سلطه‌گری علیه ملت‌های مستضعف، جریانی تاریخی با هزاران چهره آشکار و پنهان است که همچون تارهای عنکبوت بر تمام جوانب زندگی جوامع تحت سلطه تنیده می‌شود. این نظام نابرابر با چهره‌هایی فریبنده مانند بشردوستی، آزادی‌گرایی، صلح‌طلبی و ادعای ترویج عمران و آبادی وارد میدان می‌شود تا اهداف غارتگرانه خود را پنهان سازد. بررسی تحولات نظام بین‌الملل نشان می‌دهد که استعمارگری از گذشته تا به امروز سه سیر کلی و تفکیک‌پذیر را پشت سر گذاشته است: «استعمار کهنه» (سنتی و مستقیم)، «استعمار نو» (غیرمستقیم و جدید) و در نهایت «استعمار فرانزو». شناخت دقیق تفاوت‌ها، بسترها و ابزارهای هر کدام از این دوره‌ها برای حفظ استقلال حقیقی کشورها امری حیاتی است.

استعمار کهنه: دوران اشغال مستقیم و ملموس

استعمار کهنه ریشه در قرون گذشته دارد و به عنوان سیستم ارتباط نابرابر بین یک کشور قدرتمند و پیشرفته با یک منطقه ضعیف تعریف می‌شود که علی‌رغم خواست اهالی آن، دست به تأمین منافع خارجیان می‌زند. بستر تاریخی و رسمی این شیوه با صدور بیانیه معروف پاپ در سال ۱۴۹۳ میلادی شکل گرفت که به «فرمان تقسیم» مشهور شد. پاپ در این فرمان، غارت ممالک دیگر را میان دو قدرت بزرگ آن روز یعنی اسپانیا و پرتغال تقسیم کرد؛ تمام آمریکای شمالی و بخش بزرگی از آمریکای جنوبی به اسپانیا واگذار شد و آفریقا، هند، ژاپن و چین به پرتغال اختصاص یافت. بعدها با افول این دو کشور، بریتانیا با نفوذ گسترده خود این مسیر را ادامه داد.

ویژگی بارز استعمار کهنه، «حاکمیت مستقیم بر سرزمین‌ها و اشغال نظامی» بود. در این دوره، قدرت نظامی و تهدیدهای سخت حرف اول را می‌زد، لشکرکشی‌ها و کشتار وسیع بومیان برای ایجاد ترس و تثبیت قدرت کاملاً موجه شمرده می‌شد و سرزمین‌ها به صورت فیزیکی فتح و ملحق می‌شدند. هدف اصلی این تهاجم‌ها دسترسی به ژئوپلیتیک خاک، منافع سیاسی، غارت منابع مالی و انسانی و بعضاً اهداف اعتقادی بود.

یک نمونه عینی این جریان، حضور طولانی‌مدت بریتانیا در هندوستان از آغاز قرن هفدهم تا سال ۱۹۴۸ میلادی است. انگلیسی‌ها هنگام ورود به هند، وقتی با دولت قدرتمند گورکانی و پیشرفت اقتصادی آن روبرو شدند، شهر بمبئی هند را بسیار آبادتر از شهر صنعتی منچستر خود یافتند و به ملکه الیزابت هشدار دادند که اگر روند صادرات ثروت از هند به بریتانیا برقرار نشود، ورشکست خواهند شد. نتیجه این حاکمیت مستقیم و چپاول فیزیکی، تبدیل هندِ ثروتمند به ویرانه‌ای فقیر و نابودشده در سال ۱۹۴۸ بود که بستر اصلی ثروت‌اندوزی امپراتوری انگلیس را فراهم کرد.

با این حال، استعمار کهنه به دلایل متعددی رو به زوال رفت. این



رهبر شهید انقلاب در بلندای تاریخ اسلامی

■ امام جمعه اهل سنت مهیاد گفت: قائد شهید ما در بلندای تاریخ اسلامی و جغرافیای مقاومت و مظلومیت جاودانه شد. عبدالسلام امامی در گفت‌وگو با ستاد خبری کمیته فرهنگی اربعین گفت: در قرآن آیهای داریم که می‌فرماید مسلمانان باید خود را در برابر دشمنان آماده کنند و در آیهای دیگر می‌فرماید من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه؛ یعنی مسلمانان، مرد میدان هستند که برخی بر سر این پیمان، جان خود را فدا می‌کنند و بقیه هم منتظر سعادت هستند ولی در مکتب اسلام قبل از ساخت سلاح و تجهیزات به مردان میدان توجه شده است. وی با بیان اینکه قائد شهید امت ما و سرداران شهید در جغرافیای مقاومت و مظلومیت بهترین دلیل برای اثبات این مدعاست، افزود: کربلای امام حسین (ع) را می‌توان در کربلاهای معاصر همچون کربلای غزه، لبنان، یمن، عراق و از همه مهمتر کربلای ایران دید.

امامی اضافه کرد: شعار امام حسین (ع) که فرمودند «هیئات منا الذله» و «مئلی لایایع ملله» به عنوان یک قاعده اساسی در سیاست اسلام و تاریخ اسلام مطرح بوده و کسانی که عزت را از پیامبر (ص) و از مکتب قرآن یاد گرفت‌اند، پیرو آن بوده‌اند؛ همانطور که شهید حسن نصرالله فرمود ما نه میدان را رها خواهیم کرد و نه دست از سلاح برمی‌داریم.

امام جمعه مهیاد افزود: شهدای بزرگواری مثل اسماعیل هنیه، محمد ضیف، سید حسن نصرالله، سید هاشم صفی الدین، شهدای مدرسه شجره طیبه میناب، قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و سرداران بزرگوار و همچنین مردم عادی و سربازان و از همه مهمتر رهبر شهید ما باعث افتخار هستند اما هر سپاهی چه از شهدا چه غیر شهدا نیاز به یک فرمانده دارد و فرمانده آنان که قائد شهید امت ما بود به خیل لشکریانی پیوست که منتظر فرمانده خود بودند.

وی افزود: یقیناً قائد شهید امت ما برای دشمنان بسیار خطرناک‌تر از یک فرمانده و قائد زنده بودند چرا که ایشان با شهادتشان در بلندای تاریخ اسلامی و جغرافیای مقاومت و مظلومیت و همچنین از منظر آزادگان جهان جاودانه و ماندگار شد.

امامی ادامه داد: یک شاعر تونس‌ی درباره سخن رهبر شهید انقلاب که گفته بودند وارد ۹۰ سالگی می‌شوند اما از لحاظ روحیه در ۲۰ سالگی مانده‌اند، این شعر را سرود که «شما به سوی شهادت نزدیک می‌شوید. چون پیرو مکتب حسین هستید.» رهبران و سربازان شهید که در مکتب حسینی تربیت یافته‌اند، هر لحظه منتظر شهادت هستند و امام راحل (ره) هم فرمودند ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است.اسلامی و جغرافیای مقاومت جاودانه‌ها شد.

امام جمعه اهل سنت مهیاد گفت: قائد شهید ما در بلندای تاریخ اسلامی و جغرافیای مقاومت و مظلومیت جاودانه شد.

عبدالسلام امامی در گفت‌وگو با ستاد مرکزی اربعین گفت: در قرآن آیهای داریم که می‌فرماید مسلمانان باید خود را در برابر دشمنان آماده کنند و در آیهای دیگر می‌فرماید من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه؛ یعنی مسلمانان، مرد میدان هستند که برخی بر سر این پیمان، جان خود را فدا می‌کنند و بقیه هم منتظر شهادت هستند ولی در مکتب اسلام قبل از ساخت سلاح و تجهیزات به مردان میدان توجه شده است.

وی افزود: قائد شهید امت ما و سرداران شهید در جغرافیای مقاومت و مظلومیت بهترین دلیل برای اثبات این مدعاست. کربلای امام حسین (ع) را می‌توان در کربلاهای معاصر همچون کربلای غزه، لبنان، یمن، عراق و از همه مهمتر کربلای ایران دید.

امامی اضافه کرد: شعار امام حسین (ع) که فرمودند «هیئات منا الذله» و «مئلی لایایع ملله» به عنوان یک قاعده اساسی در سیاست اسلام و تاریخ اسلام مطرح بوده و کسانی که عزت را از پیامبر (ص) و از مکتب قرآن یاد گرفت‌اند، پیرو آن بوده‌اند؛ همانطور که شهید سید حسن نصرالله فرمود ما نه میدان را رها خواهیم کرد و نه دست از سلاح برمی‌داریم.

امام جمعه مهیاد افزود: شهدای بزرگواری مثل اسماعیل هنیه، محمد ضیف، سید حسن نصرالله، سید هاشم صفی الدین، شهدای مدرسه شجره طیبه میناب، قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و سرداران بزرگوار و همچنین مردم عادی و سربازان و از همه قق ۴ و جغرافیای مقاومت و مظلومیت و همچنین از منظر آزادگان جهان جاودانه و ماندگار شد.

امامی ادامه داد: یک شاعر تونس‌ی درباره سخن رهبر شهید انقلاب که گفته بودند وارد ۹۰ سالگی می‌شوند اما از لحاظ روحیه در ۲۰ سالگی مانده‌اند، پابین شعر را سرود که «شما به سوی شهادت نزدیک می‌شوید. چون پیرو مکتب حسین هستید.» امام جمعه اهل سنت مهیاد گفت: رهبران و سربازان شهید که در مکتب حسینی تربیت یافته‌اند، هر لحظه منتظر شهادت هستند و امام راحل (ره) هم فرمودند ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است.



از بین برد و اعتراضات مردمی را شعله‌ور ساخت. از سوی دیگر، نگهداری و پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از این دیکتاتورهای وابسته برای آژانس‌های غربی بسیار پرهزینه شد و با تغییرات سریع در مراحل اقتصاد جهانی، این ساختار دیگر نمی‌توانست به طور کامل و پهنه منافع استعمارگران را تأمین کند. این بن‌یست ساختاری، نظام سلطه را به سمت طراحی پیچیده‌ترین لایه استعمار سوق داد.

استعمار فرانزو: تفریق ذهن‌ها و مدیریت ادراک

مفهوم «استعمار فرانزو» لایه کاملاً جدید، عمیق و پیچیده‌ای از سلطه‌گری زرسالاران اقتدارطلب جهانی است که هدف آن تسلط مطلق بر منابع حیاتی، مالی و به ویژه سرمایه‌های انسانی جهان است. اگر در استعمار کهنه هدف «تصرف سرزمین» و در استعمار نو هدف «تصرف حاکمان و اقتصاد» بود، در استعمار فرانزو هدف اصلی «تصرف ذهن، افکار عمومی و باورهای یک ملت» است.

در این شیوه مدرن، استعمارگر دیگر نیازی به اعزام ارتش یا حتی گماشتن یک پادشاه دست‌نشانده و منفور ندارد؛ بلکه کاری می‌کند که خود توده‌های مردم، نخبگان و مسئولان کشور هدف، همان‌گونه فکر کنند، تصمیم بگیرند و عمل کنند که استعمارگر می‌پسندد. ابزار اصلی در این کارزار، تهدیدهای نرم، شبکه‌های پیچیده رسانه‌ای، فناوری‌های نوین اطلاعاتی، ابزارهای فرهنگی و نهادهای بین‌المللی هستند. استعمارگران با ظاهری آراسته از مفاهیمی چون جهانی‌سازی، ترویج حقوق بشر، گزینشی و توسعه فرهنگی، ارزش‌های بومی و مذهبی کشورها را استحاله کرده و فرهنگ مصرف‌گرایی و تسلیم را جایگزین آن می‌کنند. در واقع، تغییر در ادراک و تحلیل نخبگان جامعه هدف رخ می‌دهد تا جایی که خود این نخبگان بدون آنکه بدانند، مجری پیاده‌سازی سیاست‌های استعماری در خاک خود می‌شوند.

تنها راه مقابله با این تارهای درهم‌تنیده استعماری در جهان امروز، افزایش آگاهی عمومی، تقویت مدیریتانه سیاست‌های داخلی و خارجی متکی به خود، برافروختن شعور ملی و مذهبی و تکیه بر ظرفیت‌های درونی ملت‌هاست تا مانع از تحقق اهداف پنهان سلطه‌گران هزارچهره گردد.

بازار موتورسیکلت در مسیر صعود قیمت



دوچرخه و موتورسیکلت تهران، در برخی موارد موتورسیکلت‌ها تنها به دلیل نبود یک قطعه کوچک، ماه‌ها در مراکز خدماتی متوقف می‌مانند و حتی گزارش‌هایی از اوراق شدن برخی موتورسیکلت‌ها برای تأمین قطعات سایر وسایل نقلیه وجود دارد؛ اتفاقی که به گفته فعالان بازار، نتیجه مستقیم اختلال در زنجیره تأمین است.

رشد قیمت‌ها و تشدید التهاب بازار در چنین شرایطی، روند افزایشی قیمت‌ها نیز ادامه دارد. فعالان بازار می‌گویند قیمت انواع موتورسیکلت طی سه تا چهار ماه گذشته، بسته به نوع و کاربری، بین ۴۰ تا ۸۰ درصد افزایش یافته است. همزمان برخی فعالان صنعتی نسبت به کاهش عرضه از سوی تعدادی از فروشندگان هشدار می‌دهند. آنطور که فروشندگان موتورسیکلت در بازار به خبرنگار مهر می‌گویند برخی عرضه‌کنندگان با پیش‌بینی افزایش بیشتر قیمت‌ها، از عرضه کالا خودداری کرده و فروش را به تعویق می‌اندازند. برخی عرضه‌کنندگان با پیش‌بینی افزایش بیشتر قیمت‌ها، از عرضه کالا خودداری کرده و فروش را به تعویق می‌اندازند؛ اقدامی که به التهاب بازار دامن می‌زند. بنابراین نقش دستگاه‌هایی مانند وزارت صمت، سازمان تعزیرات حکومتی و سایر نهادهای نظارتی در کنترل بازار تمین‌کننده است.

در حال حاضر حدود ۱۲ هزار و ۳۰۰ واحد صنعتی دارای پروانه کسب و حدود دو هزار واحد فاقد پروانه در حوزه تولید، فروش و تعمیر موتورسیکلت در تهران فعالیت می‌کنند.

آینده بازار در گرو رفع گرهمای تولی

فعالان صنعت موتورسیکلت بر این باورند که ادامه محدودیت‌های ارزی، مشکلات ثبت سفارش، کمبود قطعات و افزایش هزینه‌های تولید، شکاف میان عرضه و تقاضا را عمیق‌تر خواهد کرد. در مقابل، تسهیل تأمین ارز، روان‌سازی واردات قطعات، حمایت از تولیدکنندگان و تشدید نظارت بر بازار، مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند از تشدید نابسامانی‌ها جلوگیری کند.

بخش مهمی از تقاضای بازار را افرادی تشکیل می‌دهند که برای کاهش زمان رفت‌وآمد یا استفاده تفریحی به دنبال خرید موتورسیکلت هستند. فشار مضاعف بر تولیدکنندگان هم‌زمان با کاهش قدرت خرید، تولیدکنندگان نیز با افزایش شدید هزینه‌های تولید روبه‌رو شده‌اند. رشد قیمت مواد اولیه‌ای مانند آهن، ورق، پلاستیک، فوم و چرم مصنوعی، که در تولید قطعاتی نظیر زین، آگزور و دوشاخ استفاده می‌شود، هزینه تمام‌شده محصولات را به شکل قابل توجهی افزایش داده است. اصغر فرضی‌پور قره‌لو، رئیس اتحادیه فروشندگان و واردکنندگان دوچرخه و موتورسیکلت تهران، معتقد است مهم‌ترین مانع پیش روی تولید، محدودیت‌های ارزی و دشواری تأمین قطعات است. به گفته او، بخش قابل توجهی از قطعات این صنعت به صورت منفصله وارد کشور می‌شود و مشکلات در تخصیص ارز باعث شده فعالان این حوزه ناچار باشند ارز مورد نیاز خود را از بازار آزاد تهیه کنند؛ موضوعی که مستقیماً هزینه تولید و قیمت نهایی محصولات را افزایش داده است. وی همچنین از ابهام در روند ثبت سفارش، مشکلات حمل‌ونقل و نامشخص بودن برخی مبادی وارداتی پس از جنگ اخیر به‌عنوان دیگر موانع تولید یاد می‌کند و می‌گوید ادامه این شرایط می‌تواند ظرفیت تولید را به شدت کاهش دهد. بر اساس اظهارات فعالان صنعتی، مجموع هزینه‌های تولید از ابتدای سال تاکنون حداقل ۶۰ درصد افزایش یافته و همین موضوع، امکان حفظ قیمت‌های گذشته را از تولیدکنندگان سلب کرده است.

بازاری با عرضه محدود و قطعات کمیاب

کاهش تولید و دشواری واردات قطعات، به تدریج بازار را با کمبود عرضه مواجه کرده است. فعالان صنعتی می‌گویند در حال حاضر تقاضا از عرضه پیشی گرفته و همین عدم توازن، فشار مضاعفی بر قیمت‌ها وارد می‌کند.

کمبود قطعات یدکی، خدمات پس از فروش را نیز با مشکلات جدی مواجه کرده است. به گفته رئیس اتحادیه فروشندگان و واردکنندگان

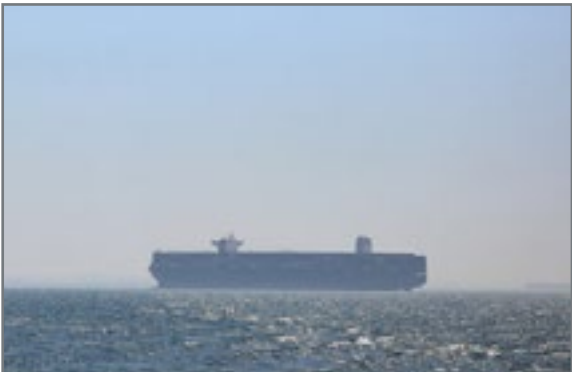
بازار موتورسیکلت در سال ۱۴۰۵ با مجموعه‌ای از چالش‌های هم‌زمان از جمله افزایش قیمت، کاهش قدرت خرید، کمبود قطعات، محدودیت‌های ارزی و رشد هزینه‌های تولید مواجه شده است؛ شرایطی که نتنها خرید موتورسیکلت نو را برای بسیاری از مصرف‌کنندگان دشوار کرده، بلکه الگوی بازار را نیز تغییر داده است. امروز تعمیر موتورسیکلت‌های فرسوده، خرید نمونه‌های کارکرده و افزایش تقاضا برای خدمات تعمیرگاهی، بیش از گذشته جایگزین خرید موتورسیکلت نو شده و فعالان این صنعت نسبت به ادامه این روند هشدار می‌دهند.

همچنین بررسی وضعیت بازار نشان می‌دهد افزایش نرخ ارز و توقف تخصیص ارز حمایتی برای واردات قطعات، در کنار رشد هزینه مواد اولیه، دستمزد، حمل‌ونقل و انرژی، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده است. در نتیجه، عرضه کاهش یافته، قیمت‌ها با شتاب بیشتری افزایش پیدا کرده و خدمات پس از فروش نیز با کمبود قطعات یدکی روبه‌رو شده است؛ مجموعه عواملی که بازار موتورسیکلت را وارد دوراهی از رکود معاملاتی و ناپایداری کرده است.

تغییر رفتار خریداران؛ تعمیر جای خرید را گرفت

بررسی‌های میدانی خبرنگار مهر از بازار و گفتگو با فعالان صنعتی موید این نکته است که تا چند سال قبل بسیاری از مالکان پس از چند سال استفاده، موتورسیکلت خود را تعویض می‌کردند، اما اکنون افزایش هزینه خرید باعث شده تعمیر و بازسازی موتورسیکلت‌های قدیمی به انتخاب نخست بسیاری از خانوارها تبدیل شود. محمد محمدی رئیس اتحادیه صنف تولیدکنندگان قطعات و تعمیرکاران دوچرخه و موتورسیکلت تهران با تأیید این روند می‌گوید طی یک سال گذشته هم‌زمان با افزایش قیمت موتورسیکلت و رشد نرخ ارز، مراجعه به تعمیرگاه‌ها افزایش یافته و بازار تعمیرات رونق گرفته است؛ موضوعی که نشان می‌دهد مصرف‌کنندگان بیش از گذشته به حفظ وسیله نقلیه موجود خود روی آورده‌اند؛ مسئله‌ای که نه تنها وضعیت تولید و عرضه را برهم می‌زند بلکه به آلودگی هوا نیز دامن خواهد زد. این تغییر الگوی مصرف تنها به تهران محدود نیست. رئیس اتحادیه فروشندگان و تعمیرکاران موتورسیکلت مشهد نیز از کاهش محسوس توان خرید متقاضیان خبر می‌دهد و معتقد است رونق همیشگی بازار در فصل بهار و تابستان امسال جای خود را به رکود داده است؛ به‌گونه‌ای که بخش عمده متقاضیان به دنبال خرید موتورسیکلت‌های کارکرده یا استفاده از طرح‌های فروش اقساطی هستند. به گفته او، قیمت موتورسیکلت نسبت به سال گذشته بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته و حتی قطعات مصرفی مانند لاستیک، تیوپ و روغن نیز رشد قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. قیمت موتورسیکلت نسبت به سال گذشته بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته و حتی قطعات مصرفی مانند لاستیک، تیوپ و روغن نیز رشد قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. در چنین شرایطی، بسیاری از خانوارها نه توان خرید موتورسیکلت نو را دارند و نه از عهده اقساط آن برمی‌آیند؛ به‌طوری که برای خرید یک موتورسیکلت نو باید دست‌کم حدود ۲۰۰ میلیون تومان پرداخت کرد و حتی موتورسیکلت‌های فرسوده نیز بین ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان قیمت دارند. فعالان بازار معتقدند ترکیب خریداران نیز نسبت به سال‌های گذشته تغییر کرده است. اگر در گذشته بخش قابل توجهی از مشتریان را کارگران و افسار کپه‌رآمد تشکیل می‌دادند، امروز این گروه بیشتر به تعمیر وسیله نقلیه خود یا خرید نمونه‌های دست‌نخورده روی آورده‌اند و

چرا تنگه هرمز برای پایداری کشاورزی جهان اهمیت دارد؟



تنگه هرمز همچنان یک نقطه حساس باقی خواهد ماند، افزایش داده است. با توجه به اینکه حدود ۸۰ درصد از کالاهای جهانی از طریق دریا معامله می‌شوند، اختلال در حمل و نقل دریایی به سرعت در زنجیره‌های تأمین تأثیر می‌گذارد. پیش از بحران، حدود یک‌پنجم نفت جهان، به همراه حجم قابل‌توجهی از گاز طبیعی، مایع، محصولات پتروشیمی و کودهای شیمیایی که زیربنای تولید و کشاورزی هستند، از تنگه هرمز عبور می‌کردند. تنگه هرمز برای کل جهان و تجارت جهانی بسیار مهم است، اما هزینه‌های اختلال به طور مساوی توزیع یا جذب نمی‌شوند. کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (UNCTAD) ۶۸ کشور آسیب‌پذیر را که هم‌زمان در معرض افزایش قیمت سوخت و شوک‌های واردات مواد غذایی قرار دارند، شناسایی کرد. اکثر آنها واردکننده خالص نفت و غلات هستند و دولت‌ها را مجبور به تحمل افزایش نرخ حمل و نقل، هزینه‌های بیمه و هزینه‌های انرژی می‌کند. نزدیک به یک میلیارد نفر در این اقتصادها زندگی می‌کنند که بیش از ۳۰ درصد آنها با کمتر از ۳ دلار در روز امرار معاش می‌کنند. قیمت‌های بالاتر انرژی، قیمت‌های بالاتر حمل و نقل، قیمت‌های بالاتر واردات - و به ویژه مواد غذایی - پیامدهای عظیمی برای رفاه مردم این کشورها دارد. هر روزی که ما هنوز در این وضعیت نامشخص زندگی می‌کنیم، هزینه‌های بالاتری را ایجاد می‌کند، به ویژه برای اقتصادهای کوچک، آسیب‌پذیر و در حال توسعه، بیمه و حمل‌ونقل؛ سریع‌ترین انتقال به قیمت غلات برای خریداران غلات، مشکل اصلی کمبود گندم یا ذرت در میدا نیست، بلکه افزایش ناگهانی «هزینه‌های حمل» است. قیمت‌گذاری مبتنی بر ریسک جنگ به سرعت تغییر کرده، اختلاف قیمت خرید و فروش را افزایش داده و اعتبار پیشنهادها را کاهش داده است. زیرا معامله‌گران منتظر تثبیت سیگنال‌های حمل و نقل و بیمه هستند. اختلالات کشتیرانی و هوایی هزینه‌ها را چند برابر می‌کنند. طبق برآوردهای زنجیره تأمین، سفرهای طولانی‌تر در اطراف دماغه امید نیک می‌تواند ۱۰ تا ۱۴ روز به طول انجامد و تقریباً یک میلیون دلار سوخت اضافی برای هر کشتی به همراه داشته باشد. نوسانات انرژی، کل هزینه پایه را افزایش می‌دهد. شوک هرمز قیمت انرژی را بالاتر برده و نوسانات را افزایش داده است. نفت برنت بیش از ۵ درصد افزایش یافت و به نزدیک ۷۷ دلار در هر بشکه رسید، در حالی که قیمت گازوئیل آمریکا برای اولین بار از نوامبر ۲۰۲۳ به بیش از ۳ دلار در هر گالن رسید که مستقیماً به گران‌تر شدن هزینه‌های حمل و نقل دریایی و لجستیک داخلی برای غلات و دان‌های روغنی منجر می‌شود. واردات غلات تحت فشار خطر امنیت غذایی برای بازارهای وابسته به واردات خلیج فارس و ایران، که زنجیره‌های تأمین در حال حاضر تحت فشار هستند، بسیار حاد است. فایننشال تایمز با استناد به کپلر تخمین می‌زند که کشورهای خلیج فارس سال گذشته حدود ۲۰ میلیون تن غلات وارد کرده‌اند، از جمله تقریباً ۱۴ میلیون تن به مقصد ایران که بخش عمده‌ای از آن معمولاً از طریق تنگه هرمز ترانزیت می‌شود. کپلر همچنین تخمین می‌زند که عربستان سعودی حدود ۴۰ درصد از غلات و دان‌های روغنی خود را از طریق بنادر شرقی خلیج فارس وارد می‌کند، در حالی که امارات متحده عربی حدود ۹۰ درصد از این کالاها را از طریق جبل علی وارد می‌کند. جبل‌علی همچنین به عنوان یک مرکز حمل و

بحران‌های ژئوپلیتیکی به طور سنتی از درجه بازارهای نفت و تجارت غلات نگریسته می‌شوند. با این حال، تاب‌آوری سیستم‌های غذایی جهانی به همان اندازه به ثبات زنجیره‌های تأمین نهادهای کشاورزی بستگی دارد. در حالی که توجه جهانی پس از جنگ روسیه و اوکراین به تنوع‌بخشی به زنجیره‌های تأمین غلات معطوف شده است، یک آسیب‌پذیری حیاتی همچنان نادیده گرفته می‌شود: تمرکز صادرات کودهای نیتروژنی که از تنگه هرمز عبور می‌کنند. کودهای نیتروژنی، عمدتاً آمونیاک و ترکیبات نیتروژن تولید شده از گاز طبیعی، به طور منحصربه‌فردی در معرض خطرناک دوگانه نوسانات بازار انرژی و اختلالات حمل و نقل دریایی قرار دارند. شواهد اخیر نشان می‌دهد که افزایش ناگهانی قیمت انرژی و کود می‌تواند تأثیر عمیق‌تری بر قیمت جهانی مواد غذایی نسبت به محدودیت صادرات غلات به تنهایی داشته باشد. این «شوک ورودی» به ویژه برای چندین اقتصاد بزرگ تولیدکننده کود در خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی، قطر، ایران و امارات متحده عربی که برای دسترسی به بازارهای جهانی به تنگه هرمز متکی هستند، حاد است. تشدید محتمل‌ها با ایران و بسته شدن عملی تنگه هرمز، به سرعت در حال تغییر قیمت ریسک در حوزه‌های کشتیرانی، بیمه و انرژی است. هزینه‌های غلات تحویلی را افزایش می‌دهد، دسترسی به کود را محدود می‌کند و نگرانی‌هایی را در مورد امنیت غذایی در بازارهای وابسته به واردات در سراسر خلیج فارس و فراتر از آن ایجاد می‌کند. چشم‌انداز کشاورزی جهانی که پیش از این نیز سال‌ها تحت‌تأثیر نوسانات ژئوپلیتیکی قرار داشت، وارد مرحله جدیدی، از عدم قطعیت شده است. پس از حملات آمریکا و اسرائیل به ایران و اقدام برای محدود کردن عبور از تنگه هرمز، شریانی که حدود ۲۰ درصد از حمل و نقل نفت جهان از آن عبور می‌کند، بازارهای بیمه و نهادهای بلافاصله واکنش نشان دادند. کشتی‌های فلمر و کانتینری سرعت خود را کاهش دادند یا مسیر خود را تغییر دادند، پوشش ریسک جنگ تشدید شد و بازرگانان در کنار افزایش ریسک نیتروژن پیش از کاشت بهار، از افزایش اصطکاک در خرید غلات خبر دادند. هرمز بیشتر به عنوان یک گلوگاه انرژی شناخته می‌شود که حدود ۲۰ درصد از جریان نفت جهانی را مدیریت می‌کند، اما مکانیسم انتقال کشاورزی آن سریع است. انرژی بالاتر، سوخت و بار بانکر را افزایش می‌دهد، در حالی که اختلال در لجستیک خلیج فارس و پرمیوم‌های ریسک جنگ، قیمت غلات CFR/CIF را حتی زمانی که شاخص‌های آبی پایدار هستند، افزایش می‌دهد. با اجتناب کشتی‌ها از خلیج فارس یا انتظار در سواحل، تأثیر این موضوع بر زنجیره تأمین قابل اندازه‌گیری است. موسسه تحقیقاتی کلارکسون تخمین می‌زند که حدود ۳۳۰۰ کشتی (حدود ۴ درصد از تناژ کشتی‌های جهان) در داخل خلیج فارس بدون استفاده هستند، در حالی که تقریباً ۵۰۰ کشتی (حدود یک درصد از تناژ جهانی) در خارج از خلیج فارس، نزدیک بنادر امارات متحده عربی و عمان، منتظرند. یادداشت تفاهمی که بین ایران و آمریکا در ۱۷ ژوئن امضا شد، امیدهایی را برای بازگشت تدریجی کشتیرانی از طریق تنگه هرمز به حالت عادی ایجاد کرده بود. اما حملات به کشتی‌های تجاری، همراه با حملات آمریکا به اهداف ایرانی، باعث شده است که کشتی‌ها مسیر خود را تغییر دهند و نگرانی‌ها را در مورد اینکه



وام ازدواج و فرزندآوری در بن‌بست اعتبارسنجی

سید رضا راستی الحسینی، کارشناس پولی و بانکی تسهیلات تکلیفی خرد، به‌ویژه وام‌های قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری، قرار بود با اتکا به اعتبارسنجی سیستمی، از مدار تشخیص‌های سلیقه‌ای شعب خارج شود و دسترسی متقاضیان به منابع بانکی را تسهیل کند. با این حال، شواهد اجرایی نشان می‌دهد میان متن دستورالعمل و نحوه اجرای آن در بانک‌ها، هنوز فاصله‌ای معنادار وجود دارد؛ فاصله‌ای که هم کارآمدی نظام اعتبارسنجی را زیر سؤال می‌برد و هم مسئله عدالت در دسترسی به تسهیلات را پررنگ‌تر می‌کند.

واگرایی در اجرای تسهیلات تکلیفی؛ سلیقه‌محوری به جای اعتبارسنجی سیستمی

تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری، به عنوان یکی از ابزارهای مهم اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، همواره در کانون توجه افکار عمومی و نهادهای نظارتی قرار داشته است. بانک مرکزی نیز با ابلاغ دستورالعمل‌های جدید اعتبارسنجی، تلاش کرده است فرآیند اخذ وثیقه و ضامن را تسهیل کرده و سلیقه‌محوری در شعب را با سنجش علمی ریسک نکول جایگزین کند. بر اساس این دستورالعمل‌ها، مبنای پرداخت تسهیلات خرد بر اعتبارسنجی، سفته یا حداکثر یک ضامن معتبر استوار شده است. با این حال، گزارش‌های واصله از لایه‌های اجرایی شبکه بانکی، همچنان از وجود واگرایی در اجرای این ضوابط حکایت دارد.

اعتبارسنجی واحد، اجرای متفاوت

به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی این واگرایی، تفاوت در فرهنگ سازمانی، میزان ناترازی منابع و مصارف و نحوه مدیریت ریسک در بانک‌های مختلف باشد. در برخی موارد، تغییر مدیران یا افزایش ریسک نقدینگی، موجب تغییر رویه‌های اجرایی در پرداخت تسهیلات می‌شود. نتیجه آن است که متقاضی دارای شرایط اعتباری مشابه، در یک بانک صرفاً بر مبنای رتبه اعتباری خود و با حداقل تضمین موفق به دریافت تسهیلات می‌شود، اما همان متقاضی در بانکی دیگر با درخواست وثایق متعدد یا ضامن رسمی مواجه می‌شود.

این تفاوت رویه، بیش از آنکه ناشی از تفاوت قوانین باشد، بیانگر تفاوت در نحوه اجرای یک دستورالعمل واحد است؛ موضوعی که می‌تواند اعتماد عمومی به نظام اعتبارسنجی را تحت تأثیر قرار دهد و این پرسش را ایجاد کند که اگر مبنای تصمیم‌گیری، اعتبارسنجی سیستمی است، چرا نتیجه اجرای آن در بانک‌های مختلف یکسان نیست؟

اعتبارسنجی نباید قربانی سلیقه شود

هنگامی که بانک مرکزی دستورالعملی واحد برای اعتبارسنجی ابلاغ می‌کند، این فرض وجود دارد که ریسک‌های سیستماتیک و غیرسیستماتیک آن پیش‌تر مورد ارزیابی قرار گرفته است. از این منظر، بی‌اعتنایی به نتایج اعتبارسنجی رسمی و اصرار بر روش‌های سنتی اخذ وثیقه و ضامن، می‌تواند کارکرد نظام اعتبارسنجی را با چالش مواجه کند.

برخی بانک‌ها، بالا بودن ریسک نکول تسهیلات خرد، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار، را دلیل سخت‌گیری بیشتر عنوان می‌کنند. هرچند مدیریت ریسک، وظیفه ذاتی بانک‌هاست، اما در مقابل این پرسش نیز مطرح است که اگر مدل‌های اعتبارسنجی قابلیت بومی‌سازی و لحاظ کردن متغیرهای منطقه‌ای را دارند، تا چه اندازه می‌توان از این استدلال برای فاصله گرفتن از دستورالعمل‌های واحد دفاع کرد؟

ضرورت اتصال اعتبارسنجی به هسته بانکداری

به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای کاهش تفاوت در اجرای مقررات، تقویت نقش سامانه‌های اعتبارسنجی در فرآیند پرداخت تسهیلات باشد. اتصال مستقیم این سامانه‌ها به هسته بانکداری (Core Banking) بانک‌ها و محدود شدن امکان اعمال سلیقه در مراحل نهایی تصمیم‌گیری، می‌تواند به اجرای یکنواخت‌تر ضوابط کمک کند.

در همین چارچوب، می‌توان ایجاد سازوکاری برای پرداخت برخط تسهیلات خرد با نظارت مستقیم بانک مرکزی را نیز مورد توجه قرار داد؛ سازوکاری که در آن، انحراف از ضوابط اعتبارسنجی به صورت سیستمی شناسایی و ثبت شود. تا زمانی که تصمیم نهایی درباره پذیرش یا رد تضمین، صرفاً در اختیار رئیس شعبه یا کمیته‌های اعتباری داخلی بانک‌ها باقی بماند، احتمال تفاوت در اجرای مقررات همچنان وجود خواهد داشت.

نظارت هوشمند زمانی به هدف خود نزدیک می‌شود که پایش فرآیندها به صورت برخط انجام گیرد و هرگونه انحراف از دستورالعمل‌های اعتبارسنجی، بلافاصله به عنوان یک مغایرت سیستمی ثبت و به مراجع نظارتی گزارش شود. تنها در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که رفتار شبکه بانکی در قبال متقاضیان تسهیلات خرد، بیش از گذشته به سمت وحدت رویه و رعایت حقوق عامه حرکت کند.

باربی بالباس محلی نماینده فرهنگ ایران نیست



لیلا کفاش‌زاده، پژوهشگر حوزه آیین و فرهنگ، با اشاره به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های تولید عروسک در کشور گفت: در نمایشگاه‌های صنایع دستی، فروشگاه‌ها و مغازه‌های سوغاتی‌فروشی، عروسک‌های شبیه‌باربی با لباس محلی دیده می‌شود که با هدف سوغات فرهنگی از کشورمان ارائه می‌شوند، اما بدن لاغر و کشیده باربی، جنس پلاستیکی و کارخانه‌ای بودن آن، در تقابل با لباس کردی یا قشقایی قرار می‌گیرد و نمی‌تواند نماینده فرهنگی یک کشور یا یک قوم ایرانی باشد.

کفاش‌زاده، به دو دسته از عروسک‌ها در تقسیم‌بندی جهانی اشاره و بیان کرد: در جهان دو نوع تقسیم‌بندی رایج برای عروسک‌ها وجود دارد. یکی «عروسک‌های لباس ملی» یا national costume dolls و دیگری «عروسک‌های مردم‌ساخت» یا folk dolls هستند. عروسک‌های لباس محلی، عروسک‌هایی هستند که در آن‌ها بدن و ساختار عروسک در اولویت نیست و تأکید اصلی بر لباس ملی کشور یا قوم طراحی شده است و بدن این گروه از عروسک‌ها می‌تواند پلاستیکی باشد.

این پژوهشگر، در ادامه گفت: عروسک‌های مردم‌ساخت، دقیقاً در فرم، ساختار، جنس بدن، لباس و آرایه‌های خود، نه برای فروش و نه برای معرفی، بلکه فقط برای بازی یا اجرای آیین و مصرف شخصی ساخته می‌شوند و روش ساخت آن‌ها نیز از نسل‌های قبل به نسل بعدی منتقل می‌شود. این دسته از عروسک‌ها قابلیت بالایی برای تبدیل شدن به کالای فرهنگی دارند، اما چون سازندگان آن‌ها الزاماً هنرمند نیستند و با اصول تولید اثر هنری و بازاریابی محصولات فرهنگی آشنایی ندارند، خروجی کار ممکن است برای فروش، عرضه و حتی صادرات مناسب نباشد.

او، با تأکید بر اینکه گستره فرهنگی فقط به لباس محدود نمی‌شود، گفت: آباتومی بدن اقوام، خطوط صورت، معماری، نقش و نگارهای مربوط به مناطق مختلف، سوزن‌دوزی‌ها و هنرهای سنتی هر شهر، مجموعه‌ای از نشانه‌های فرهنگی هستند که باید بازطراحی و تولید شوند تا یک عروسک بتواند نماینده فرهنگی یک استان باشد. کفاش‌زاده، مهم‌ترین عنصر تبدیل یک عروسک بومی به یک محصول فرهنگی اثرگذار را هویت نهفته در عروسک دانست و بیان کرد: یک سوغات معمولی فقط ارزش تزئینی یا یادگاری دارد، اما یک عروسک بومی می‌تواند حامل بخشی از حافظه فرهنگی یک جامعه باشد. وقتی مخاطب بداند این عروسک نماینده چه قومی است، چه داستانی را روایت می‌کند، پوشش آن چه معنا و پیشینه‌ای

زائرانی که مرزها را پشت سر گذاشتند

رسانده است.

در خلال روایت‌ها، مخاطب با فعالیت گروهی آشنا می‌شود که تنها در ایام اربعین فعال نیستند. این گروه، در طول سال در شهرهای مختلف اروپا به معرفی اسلام، فرهنگ عاشورا و زیارت اربعین می‌پردازد و تلاش می‌کند راه حضور علاقمندان در این مراسم را هموار کند.

کتاب نشان می‌دهد که اربعین برای این افراد تنها یک آیین مذهبی نیست، بلکه به بخشی از هویت و فعالیت فرهنگی آنان تبدیل شده است.

وقتی مسیر کتاب تغییر می‌کند

نویسنده در مقدمه توضیح می‌دهد که قصد داشته روایت کامل فعالیت‌های این گروه را ثبت کند، اما شرایط امنیتی و مشکلات سفر، امکان گفت‌وگو با بسیاری از اعضا را از او گرفته است.

همین مسئله باعث می‌شود مسیر کتاب به سمت روایت دیگری نیز کشیده شود؛ روایت مهاجران افغانستانی که در جریان سفر اربعین با آن‌ها رویبرو می‌شود.

این بخش، از تأثیرگذارترین فصل‌های کتاب است؛ جایی که نویسنده، ضمن روایت هم‌مان‌نوازی مردم عراق، از برخی برخوردهای تلخ با مهاجران افغانستانی نیز سخن می‌گوید و مخاطب را به تأمل درباره مفهوم برادری دینی فرامی‌خواند.

سفری که فقط جغرافیا را تغییر نمی‌دهد

یکی از ویژگی‌های «موکب آمستردام» آن است که تغییر شخصیت‌ها را به‌خوبی نشان می‌دهد.

تقریباً همه راویان، پیش و پس از اربعین، دو انسان متفاوت‌اند. برخی نگاهشان به دین تغییر کرده، برخی معنای تازه‌ای برای زندگی یافته‌اند و بعضی دیگر تصمیم گرفتند پیام عاشورا را به جامعه خود منتقل کنند. در این کتاب، اربعین بیش از آنکه مقصد باشد، نقطه آغاز یک مسیر تازه است.

بهبود دانشگر در این اثر نیز همان سبک روایت‌نویسی ساده و روان خود را حفظ کرده است.

او تلاش نمی‌کند روایت‌ها را با تحلیل‌های طولانی همراه کند، بلکه اجازه می‌دهد شخصیت‌ها خودشان داستان‌شان را تعریف کنند. همین ویژگی باعث شده کتاب، فضایی صمیمی و مستند پیدا کند و خواننده احساس کند پای صحبت زائران نشسته است.

شاید تنها نکته‌ای که برخی مخاطبان درباره کتاب مطرح کرده‌اند، کوتاه بودن روایت‌ها باشد.

بسیاری از شخصیت‌های کتاب، ظرفیت تبدیل شدن به آثاری مستقل را دارند؛ زیرا هر کدام تجربه‌ای متفاوت از مهاجرت، دین، اربعین و زندگی در اروپا را پشت سر گذاشته‌اند. با این حال، همین ایجاز نیز باعث شده



نگاه وطنی «محفل ستاره‌ها» برای کودکان

داور «محفل ستاره‌ها» از نگاه ملی میهنی این برنامه برای کودکان و انتقال مفاهیم کلان برای آنها سخن گفت.

احمد ابوالقاسمی داور «محفل ستاره‌ها» که در ایام صفر در حال پخش از تلویزیون است درباره این برنامه در فضای بعد از جنگ بیان کرد: یکی از وظایف «محفل» و «محفل ستاره‌ها» آشنایی مردم با قرآن و روح آن است؛ قرآن در حدود ۱۲ سال در مکه و بخشی نیز در مدینه نازل شده است. بخش کمی از آیات مدنی به احکام اختصاص دارد و بخش عمده‌ای از آن به موضوع مناققان و جنگ‌های مختلف پرداخته است که باید برای مردم تبیین شود. وی با اشاره به «محفل ستاره‌ها» نیز گفت: «محفل ستاره‌ها» سعی دارد حتی در قالب برنامه‌ای کودکانه، مباحث اخلاقی و موضوعات ملی میهنی را مطرح کند. برای نمونه این حدیث «حب الوطن من الایمان» نکته مهمی دارد و می‌توان با همین مفاهیم در برنامه‌هایی مثل «محفل ستاره‌ها» و در قالب آیات و روایات، کودکان را با موضوعات مهمی آشنا کرد.

این قاری قرآن یادآور شد: «محفل» وظیفه دارد که در مسیر انقلاب اسلامی حرکت کند. من تقریباً می‌توانم بگویم که بیش از نود درصد شب‌ها در میدان‌ها حضور داشته‌ام، گاه در برخی شب‌ها سه یا چهار میدان می‌رفتم و مخاطبان بسیاری هم سوالات و نکاتشان را مطرح می‌کردند. برخی از آیات قرآن درباره مقاومت را وقتی در این میدان‌ها می‌خواندیم تا حالا نشنیده بودند و برایشان بسیار جالب بود که آیات قرآن از مقاومت چه به ما می‌آموزد و چطور یاد می‌دهد که اگر پایدار باشیم، حتماً پیروز خواهیم شد. آیاتی که می‌تواند امید را در ما بسیار افزایش دهد و زمینه پیروزی را فراهم آورد.

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: انقلاب اسلامی ایران انقلابی ایدئولوژیک بود و پس از آن نیز جنگ‌هایی که بر کشور تحمیل شد، همگی بر همین محور استوار بوده‌اند. موضوع کشور ما، از نگاه دشمنان، اقتصاد نبوده است. هرچند مشکلات اقتصادی وجود دارد، اما اصل مسئله، باورها و اعتقادات است.

ابوالقاسمی اضافه کرد: مردم ما سالیان متمادی، در فرهنگ شهادت پرورش یافته‌اند. این مردم شهادت را موفقیت و رستگاری می‌دانند و هنگام تهدید، به‌راحتی می‌گویند اگر می‌خواهید بکشید، بکشید؛ چه کشته شویم و چه بکشیم، پیروز هستیم.

وی در پایان گفت: با چنین فرهنگی، به‌واقع نمی‌توان جنگید و دشمنان چندین بار این را آزموده‌اند و در برابر ما شکست خورده‌اند. این خود نشانه اقتدار مردمی است که وطن‌پرست هستند، نگهبان دین هستند و بر سر سخن خدا ایستاده‌اند. از سال ۱۳۴۱ تا پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن، همواره تحت فشار بوده‌ایم و تحمل کرده‌ایم و ان‌شاءالله پس از این نیز تحمل خواهیم کرد.



اربعین سال‌هاست که در ادبیات معاصر ایران به یکی از موضوعات مهم روایت‌نگاری تبدیل شده است؛ اما بیشتر این روایت‌ها از زاویه نگاه زائران ایرانی یا عراقی نوشته شده‌اند. «موکب آمستردام» نوشته بهزاد دانشگر، زاویه‌ای کمتر دیده‌شده را انتخاب می‌کند؛ روایت کسانی که هزاران کیلومتر دورتر از کربلا، در شهرهای اروپایی زندگی می‌کنند و با وجود محدودیت‌ها، فشارهای فرهنگی و فاصله جغرافیایی، خود را به بزرگ‌ترین اجتماع مذهبی جهان می‌رسانند.

این کتاب که از سوی انتشارات عهد مانا منتشر شده، ادامه دغدغه‌ای است که نویسنده پس از نگارش کتاب «پادشاهان پیاده» با آن رویبرو شد. دانشگر در جریان سفر اربعین با گروهی از زائران اروپایی آشنا می‌شود؛ گروهی که حضورشان در اربعین، اتفاقی یا مقطعی نیست، بلکه حاصل سال‌ها فعالیت فرهنگی برای معرفی امام حسین (ع) و فرهنگ عاشورا در کشورهای اروپایی است. همین آشنایی، زمینه شکل‌گیری «موکب آمستردام» را فراهم می‌کند.

اربعین از زاویه‌ای که کمتر دیدیم

آنچه «موکب آمستردام» را از بسیاری آثار مشابه متمایز می‌کند، تغییر زاویه روایت است. در این کتاب خبری از گزارش‌های تکراری مسیر نجف تا کربلا نیست. نویسنده، مخاطب را پیش از رسیدن به عراق، به خیابان‌های آمستردام، بروکسل، پاریس، لندن و دیگر شهرهای اروپا می‌برد؛ جایی که مسلمان بودن، گاه به معنای ایستادن در برابر موجی از سوبرداشته‌ها، تبعیض‌ها و اسلام‌هراسی است. در این روایت‌ها، اربعین فقط یک سفر زیارتی نیست؛ بلکه نتیجه سال‌ها جست‌وجو، تغییر، انتخاب و ایستادگی است.

«موکب آمستردام» ساختاری متفاوت دارد. کتاب از مجموعه‌ای از روایت‌های کوتاه تشکیل شده است؛ هر فصل، داستان فرد یا خانوادگی است که مسیر متفاوتی را برای رسیدن به امام حسین (ع) پیموده‌اند.

برخی از این افراد مسلمان‌زاداند و سال‌ها در اروپا زندگی کرده‌اند، برخی تازه مسلمان شده‌اند و بعضی نیز پس از آشنایی با فرهنگ عاشورا، زندگی‌شان مسیر تازه‌ای پیدا کرده است.

اگرچه روایت‌ها کوتاه‌اند، اما در کنار هم تصویری بزرگ‌تر می‌سازند؛ تصویری از گسترش پیام عاشورا فراتر از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی.

وقتی آسایش، جای آرامش را نمی‌گیرد

یکی از مضامین اصلی کتاب، تقابل «رفاه» و «آرامش» است. شخصیت‌های کتاب، اغلب در کشورهای زندگی می‌کنند که از نظر امکانات رفاهی، در بالاترین سطح قرار دارند؛ اما نویسنده نشان می‌دهد که برخورداری از امکانات، الزاماً به معنای آرامش درونی نیست.

بسیاری از راویان، از خلأ معنوی، تنهایی و جست‌وجوی حقیقت سخن می‌گویند؛ جست‌وجویی که سرانجام آن‌ها را به مسیر پیاده‌روی اربعین



حرم یا قتلگاه زائران؟

جمعه نهم مرداد ۱۳۶۶، برابر با ششم ذی‌الحجه، قرار بود یکی دیگر از روزهای برگزاری آیین «برائت از مشرکین» در موسم حج باشد؛ مراسمی که سال‌ها با حضور زائران کشورهای مختلف و صهیونیستی، برگزار می‌شد. هزاران زائر، از جمله کاروان‌های ایرانی، پس از پایان سخنرانی، با در دست داشتن پلاکاردهایی با شعارهای «الموت لامریکا» و «الموت لاسرائیل» و با فریادهای «الله‌اکبر» و «لا‌الله‌الله» مسیر میدان معابد تا پل حجون را طی می‌کردند. نیروهای انتظامات دوطالب با بازوبندهای قرمز در دو سوی مسیر ایستاده بودند و گروهی دیگر با توزیع آب میان زائران، تلاش می‌کردند گرمای طاقت‌فرسای مکه را برای حاضران قابل تحمل‌تر کنند. در نگاه نخست، همه چیز از برگزاری مراسمی آرام و منظم حکایت داشت.

اما در همان ساعات، نشانه‌هایی از حادثه‌ای از پیش طراحی‌شده به چشم می‌خورد. خیابان‌های اطراف محل راهپیمایی ملو از خودروهای نیروهای امنیتی بود و کماندوهای مسلح سعودی با تجهیزات کامل در مسیرهای منتهی به محل مراسم مستقر شده بودند. روی پست‌های ساختمان‌های اطراف نیز افرادی با لباس‌های عربی و تجهیزات تصویربرداری دیده می‌شدند؛ حضوری که بعدها بسیاری از شاهدان آن را بخشی از مقدمات یک عملیات از پیش برنامه‌ریزی‌شده دانستند. با نزدیک شدن جمعیت به محدوده مسجد جن، نخستین جرقه‌ای فاجعه زده شد. نیروهای پلیس سعودی با بستن مسیر حرکت جمعیت، ناگهان با باتوم به صفوف نخست راهپیمایان حمله کردند. بسیاری از حجاج تصور می‌کردند این درگیری نیز مانند سال‌های گذشته، برخوردی محدود و کوتاه خواهد بود؛ اما تنها چند دقیقه بعد روشن شد که ماجرا ابعادی کاملاً متفاوت دارد. نیروهای کمکی با فرمان افسران سعودی به محل اعزام شدند و ضرب و شتم زائران شدت گرفت. در حالی که انتهای جمعیت همچنان به سمت جلو حرکت می‌کرد، صفوف نخست برای فرار از حمله پلیس ناچار به عقب‌نشینی بودند و همین موضوع ازدحامی مرگبار ایجاد کرد.

در همان زمان، گروه‌هایی از افراد لباس‌شخصی که در ساختمان‌های اطراف مستقر شده بودند، سنگ، بطری، قطعات آهن، سطل شن، کوله‌های گاز و هر وسیله هرچند کوچکی را که در اختیار داشتند، بر سر زائران بی‌دفاع پرتاب کردند. بسیاری از شهدا نه بر اثر اصابت گلوله، بلکه در نتیجه برخورد همین اجسام سنگین یا زیر دست و پای جمعیت جان باختند. روایت‌های شاهدان عینی از صحنه‌هایی حکایت می‌کند که در آن، خیابان‌های اطراف مسجد جن در مدت کوتاهی به صحنه‌ای آکنده از خون، فریاد و پیکرهای بر زمین افتاده تبدیل شد. حرم امن؟ یا میدان مرگ؟هم‌زمان با حمله باتوم‌پدستان و لباس‌شخصی‌ها، نیروهای نظامی سعودی نیز وارد عمل شدند. شلیک گلوله‌های جنگی، استفاده از گازهای اشک‌آور و خفه‌کننده و حضور تکتیراندازانی که از ارتفاع جمعیت را هدف قرار می‌دادند، ابعاد خشونت را به سطحی بی‌سابقه رساند. شاهدان عینی از پیکرهای سخن‌گفته‌اند که با اصابت گلوله به پیشانی بر زمین افتادند و از زانی که در میان ازدحام و بر اثر استنشاق گازهای سمی جان خود را از دست دادند. در آن لحظات، بسیاری از مجروحان حتی فرصت انتقال به مراکز درمانی را نیافتند و زیر فشار جمعیت یا ضربات مأموران جان باختند.

بخشی از قربانیان این حادثه را زنان، سالمندان، مادران و همسران شهدا و همچنین جانبازانی تشکیل می‌دادند که با ویلچر در مراسم حضور یافته بودند. بسیاری از جانبازان در همان دقایق نخست بر اثر ضربات باتوم از ویلچر به زمین افتادند و در ازدحام جمعیت گرفتار شدند. روایت‌های منتشرشده از آن روز، تصویری تکان‌دهنده از زنانی ارائه می‌دهد که بر روی یکدیگر انباشته شده بودند و امدادگران، تنها موفق می‌شدند تعداد اندکی را از زیر پیکرها بیرون بکشند؛ در حالی که بسیاری دیگر آخرین نفس‌های خود را می‌کشیدند.

با وجود شدت حملات، بسیاری از زائران تلاش می‌کردند مجروحان را بر روی دست یا حتی با استفاده از پلاکاردهای راهپیمایی از محل خارج کنند. در میان این صحنه‌ها، روایت پیرسنزی که با وجود جاری بودن خون از سرش حاضر به ترک محل نبود، به یکی از ماندگارترین خاطرات آن روز تبدیل شده است. او در پاسخ به کسانی که از او می‌خواستند عقب‌نشینی کند، گفته بود: «من عقب نمی‌روم؛ جوان‌هایمان دارند شهید می‌شوند، من کجا بروم؟»

حمله نیروهای سعودی تا ساعاتی پیش از نماز عشا ادامه یافت. درهای بیشتر هتل‌ها و ساختمان‌های اطراف به روی زائران بسته بود و تنها ساختمان محل استقرار فلسطینی‌ها و اردنی‌ها، برای ساعتی کوتاه، مجروحان و زنان را پناه داد. اما با اطلاع نیروهای امنیتی از حضور زائران ایرانی در این ساختمان، برق آن قطع شد و شرایط برای پناه‌گرفتگان نیز دوشوارتر شد.بر اساس آمارهای منتشرشده، در این واقعه ۴۰۵ نفر از دیگر کشورها بودند. همچنین ۶۴۹ نفر از آنان ایرانی و ۳۰۵ نفرشان را زائران ایرانی تشکیل می‌دادند. بسیاری از منابع و شاهدان عینی معتقدند شمار واقعی قربانیان بیش از امار رسمی بوده است.ساعاتی پس از پایان درگیری، نیروهای سعودی تلاش کردند آثار حادثه را از سطح خیابان‌ها پاک کنند. پیکر شهدا و مجروحان منتقل شد و بخش‌هایی از مسیر شست‌وشو داده شد، اما لکه‌های خون بر دیوارها و کف خیابان، کش‌ها، چادرهای خونین، مقمعه‌های شکسته و وسایل به‌جامانده از زائران، روایت خاموش یکی از تلخ‌ترین حوادث تاریخ معاصر حج را برای همیشه در حافظه مسلمانان ثبت کرد؛ حادثه‌ای که بعدها با عنوان «جمعه خونین مکه» شناخته شد و به یکی از نقاط عطف روابط جمهوری اسلامی ایران و حکومت عربستان سعودی تبدیل شد.



تحول واقعی نظام آموزش و پرورش

به نقل از وزارت آموزش و پرورش، علیرضا کاظمی در گردهمایی معاونان آموزش ابتدایی ادارات کل آموزش و پرورش سراسر کشور، اظهار کرد: شخصیت دانش‌آموز در دوره ابتدایی شکل می‌گیرد، استعدادها شناسایی می‌شوند، توانمندی‌ها پرور پیدا می‌کنند و علاقه یا بی‌علاقگی دانش‌آموز به علم و یادگیری در همین دوره شکل می‌گیرد.

وی افزود: برای ایجاد تحول عمیق، باید بهترین نیروهای انسانی با بالاترین توانمندی علمی و حرفه‌ای در دوره ابتدایی به کار گرفته شوند و در کنار توانمندسازی مستمر، از شرایط مناسب حقوقی، امکانات، تجهیزات و فضای آموزشی جذاب، باشناط و امیدآفرین برخوردار باشند.

کاظمی با تأکید بر این‌که مشکلات آموزش و پرورش را نباید صرفاً به کمبود نیروی انسانی، بودجه یا فضای آموزشی محدود کرد، گفت: این مشکلات وجود دارند، اما مسائل اساسی نظام تعلیم و تربیت نیستند و حل آنها به‌تهدایی تحول ایجاد نمی‌کند وی با اشاره به سابقه ۲۵ ساله خود در آموزش و پرورش، افزود: بسیاری از مشکلاتی که امروز با آنها مواجهیم، همان مشکلات سال‌های گذشته هستند و برای ایجاد تحول باید به سراغ مسائل بنیادی و ساختاری رفت.

وزیر آموزش و پرورش، توسعه عدالت، ارتقای کیفیت و تقویت هویت ملی و دینی را سه سیاست راهبردی وزارتخانه عنوان کرد و گفت: برنامه‌های مختلف آموزش و پرورش بر اساس این سه محور در حال پیگیری است.

کاظمی در تشریح اقدامات حوزه عدالت آموزشی، به برنامه‌هایی اجراشده در مناطق عشایری اشاره کرد و توسعه مدارس شبانه‌روزی، توسعه هنرستان‌ها، تقویت سرانه‌ها، تأمین تجهیزات و امکانات و توانمندسازی نیروها را از جمله این اقدامات دانست.

وی تأکید کرد: برای دانش‌آموزان عشایری باید توجه ویژه‌ای در نظر گرفته شود؛ چراکه نگهداشت دانش‌آموز، تأمین و ساماندهی نیروی انسانی و ارائه خدمات آموزشی در این مناطق دشواری‌های خاص خود را دارد.

کاظمی با اشاره به اطلس فضای آموزشی کشور، گفت: امروز اطلاعات دقیق فضاهای آموزشی کشور به‌صورت نقطه‌ای در اختیار آموزش و پرورش قرار دارد و وضعیت مدارس کانکسی و سنگی، پروژه‌های نیمه‌تمام، سرانه فضای آموزشی، تراکم دانش‌آموزی و تعداد کلاس‌های هر منطقه قابل رصد است.

وزیر آموزش و پرورش همچنین گفت: سال گذشته حدود ۲۴۰۰ مدرسه با ۱۱ هزار کلاس درس افتتاح شد و امسال نیز حدود ۲۳۰۰ مدرسه در دستور افتتاح قرار دارد

به گفته کاظمی، ۲۸۰۵ همت برای نوسازی و توسعه فضاهای آموزشی در سال جاری و ۱۸۰۵ همت در سال گذشته اختصاص یافته است. همچنین حدود ۷۶ هزار فضای آموزشی در حال بهسازی و ۶ هزار فضای ورزشی شامل چمن مصنوعی، سالن و استخر در حال اجرا است.

کاظمی توانمندسازی معلمان را یکی از مهم‌ترین اقدامات آموزش و پرورش دانست و گفت: در حوزه آموزش ابتدایی اقدامات ارزشمندی از جمله آشنایی معلمان با هوش مصنوعی، طرح توانا، محیط‌های مثبت یادگیری و اصلاح روش‌های تدریس انجام شده است.

وی با اشاره به تجربه بازدید از یک مدرسه روستایی در زنجان، اظهار کرد: اگرچه مدرسه از نظر امکانات فیزیکی شرایط مناسبی نداشت، اما اصلاح روش تدریس و چیدمان کلاس در آن اتفاق افتاده بود و این نشان می‌دهد کیفیت آموزش فقط به ساختمان و تجهیزات وابسته نیست.

وزیر آموزش و پرورش «یادگیری از یکدیگر» و «به یکدیگر یاد دادن» میان معلمان را از اقدامات ارزشمند در حوزه توانمندسازی دانست.

کاظمی با اشاره به استانداردسازی فناوری‌های کلاس درس، گفت: برای این موضوع حدود شش ماه مطالعه، بررسی تجربیات بین‌المللی و برگزاری جلسات تخصصی انجام شد تا به یک استاندارد مشخص برسیم.

وی افزود: هدف‌گذاری کرده‌ایم ۵۰ هزار کلاس درس به تجهیزات و تلویزیون‌های برخوردار از فناوری‌های روز مجهز شوند و سفارش ۵ هزار دستگاه نیز انجام شده است.

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به کمبود نیروی انسانی، گفت: به جای نگاه‌داشتن همکاران با نارضایتی در سیستم، از آنها خواستیم در ادامه مسیر به آموزش و پرورش کمک کنند و برای استمرار خدمت نیز مشوقه‌هایی در نظر گرفته شد.

وی افزود: از حدود ۶۰ هزار مورد، ۵۵ درصد همکاران در سامانه درخواست استمرار خدمت خود را ثبت کرده‌اند.

کاظمی همچنین مسئله نیروهای خرید خدمات را از مسائل مهم آموزش و پرورش دانست و گفت: برای ساماندهی این نیروها و تأمین منابع مورد نیاز آنها باید تصمیم‌های سخت گرفته شود. کاظمی با اشاره به شرایط دشوار اقتصادی کشور، گفت: طرح رتبه‌بندی معلمان در شرایطی اجرا شد که تأمین منابع مالی آن با دشواری همراه بود. وی افزود: حدود ۳۰۰ هزار حکم برای معلمان ابتدایی صادر و حقوق و موقتات مربوط به آنها پرداخت شد.

وزیر آموزش و پرورش همچنین از استخدام ۱۸۰ هزار نفر خبر داد و گفت: حقوق معلمان در ۲۰ اسفند پرداخت شد؛ اقدامی که در سال‌های گذشته سابقه نداشته است.

کاظمی با تأکید بر ضرورت تقویت مدارس دولتی، گفت: در مقطعی مدرسه دولتی را تضعیف کردیم و امکانات و منابع بیشتری در اختیار بخش‌های دیگر قرار گرفت؛ در حالی که نمی‌توان از یک بستر ضعیف انتظار عملکرد قوی داشت.

وی افزود: صرف تزریق پول و تجهیزات مشکل را حل نمی‌کند و برای تقویت مدرسه دولتی باید سیاست‌ها اصلاح شوند.

کاظمی همچنین از اجرای اقدامات مربوط به استانداردهای سرمایه‌ی و گرمایشی در حدود ۲۶ هزار کلاس درس خبر داد.

دیدار سردار رادان با خانواده شهیدان لاریجانی، نصیرزاده و سلیمانی



منش اخلاقی شهید سلیمانی اشاره کرد و طی سخنانی اظهار داشت:

ما خاطرات زیادی با شهید سلیمانی داشتیم و اولین آشنایی ما در مناطق جنگی دوران دفاع مقدس بود که در آن دوران به ایشان «حاج غلام» می‌گفتم و ققدان حاج غلام خیلی دشوار است. سردار رادان با اشاره به نقش شهید سلیمانی در جنگ‌های تحمیلی تصریح کرد: حاج غلام در سه جنگ تحمیلی کارنامه درخشانی در نبرد با استکبار جهانی و ایادی‌اش دارد؛ در حقیقت شهید سلیمانی کاروان شهادت حضرت آقا را همراهی کرد و امید است ما هم در کاروان شهادت شهیدی عظیم‌الشان‌مان با دقای خانواده معظم شهدا حضور داشته باشیم. وی با اشاره به اینکه خانواده معظم شهدا ویژگی‌هایی ارزشمند همچون صبور بودن را دارند و فردایی قیامت برای این موضوع اجرشان محفوظ است، ادامه داد: من روزی که خبر شهادت حاج غلام را شنیدم واقعا متاثر شدم و گفتم که حاج غلام با شهادتش به آرزویش رسید. سردار رادان با اشاره به اینکه شهید «مدال شهادت» را از خدای متعال می‌گیرد و این به واسطه رفتار و گفتار اوست، اظهار داشت: حاج غلام حقیقتاً در رفتار و گفتار ولایتمدار بود و ما هم باید از ایشان ولایتمداری را الگو بگیریم. شهید سلیمانی فردی همدل و آرام بودند ادامه این دیدار، سردار بهمن کارگر رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت، با اشاره به خصوصیات شهید سلیمانی طی سخنانی اظهار داشت:

شهید سلیمانی همواره اخلاقی خوب، سنجیده و مهربانانه داشت. وی با تأکید بر اینکه شهید سلیمانی حقیقتاً انسانی آرام، سلیم‌النفس و همدل بود، افزود: در زمان شهید سلیمانی، همدلی و همکاری بسیار خوبی در برگزاری اردوهای راهیان نور وجود داشتیم؛ شهید سلیمانی زمانی که در اصفهان به‌عنوان فرمانده سپاه منصوب بود، همواره رفتاری خوب، ملایم و آرام با همه افراد داشت، خانواده شهدا صبورند. دختر شهید سرلشکر سلیمانی با بیان اینکه «پدرم تشنه‌ی شهادت بود و خداوند دعای او را مستجاب کرد»، افزود: روزها و ماه‌ها بدون حضور پدر در خانه بسیار سخت می‌گذرد؛ اما خانواده‌های شهدا با صبر و استقامت، مسیر جهاد و ایثار را ادامه می‌دهند. وی با نقل خاطره‌ای از قول همزم پدر شهیدش گفت: گویا پدرم سال ۱۳۸۰ در یک جلسه‌ای عنوان کرده بود که «آرزو دارم در جنگی که با استکبار جهانی و ایادی‌اش است به شهادت برسم» و همین موضوع هم محقق شد و پدر عزیزم در جنگ تحمیلی سوم توسط آمریکای جایتکار به شهادت رسید.

وی ادامه داد: ایشان به مسائل دینی، معنوی و عقیدتی بسیار اهمیت می‌دادند و از دست دادن ایشان حقیقتاً ناراحت‌کننده است؛ چراکه شهید نصیرزاده مردی به تمام معنا در عرصه خدمت بود و ما در حقیقت یک مرد خدمت‌گزار به مردم را از دست دادیم.

فرمانده کل انتظامی کشور یادآور شد: شهید نصیرزاده هیچ‌گاه از ارزش‌های معنوی و دینی خود کوتاه نمی‌آمد و در برابر ارزش‌های ارزنده کشور محکم ایستادگی می‌کرد.

سردار رادان با اشاره به اهمیت صبر خانواده معظم شهدا در برابر سختی‌ها ادامه داد: خانواده معظم شهدا، از جمله خانواده شهید نصیرزاده، تلاش کنید که صبر حضرت زینب را داشته باشید و در برابر سختی‌ها بردبار باشید؛ چراکه صبر شما منتج به رستگاری در روز قیامت خواهد شد.

شهید نصیرزاده الگوی اخلاق و معرفت در نیروهای مسلح بودند ادامه این دیدار، سردار بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت، با اشاره به اینکه شهید نصیرزاده بسیار بااخلاق بود، اظهار داشت: این شهید والامقام در رفتار و گفتار، فردی بسیار بااخلاق و بزرگوار بود. وی با اشاره به نقش آفرینی شهید نصیرزاده در قدرت دفاعی ایران گفت: شهید نصیرزاده همچنین به حاج قاسم سلیمانی علاقه فراوانی داشت. افزون بر این، این شهید والامقام در ستاد کل نیروهای مسلح نیز بسیار محبوب بود؛ چراکه حقیقتاً اخلاق و معرفت برای او اولویت داشت. رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت تأکید کرد: شهید نصیرزاده فردی بسیار پرکار و پرتلاش بود و همیشه در میدان عمل و انجام وظایف حضور داشت. پدرم فرمانده دل‌ها بودند ادامه این دیدار، دختر شهید نصیرزاده طی سخنانی اظهار داشت: پدرم در منزل همواره بسیار مهربان بود و با عطف‌ت با ما رفتار می‌کرد؛ من حقیقتاً بیش از یک پدر را از دست دادم، چراکه پدرم همیشه مهربانی و ویژگی‌های داشت.

وی با اشاره به اینکه پدر شهیدش همواره در مأموریت و انجام خدمت به نیروهای مسلح و کشور بود، ادامه داد: پدرم به کارش عشق زیادی داشت و بسیار پرکار و پرتلاش بود. من همیشه به او توصیه می‌کردم کمی استراحت کند، اما ایشان می‌گفتند: «الان وقت استراحت نیست و فقط باید کار کنیم.» دختر شهید نصیرزاده با اشاره به بازدیدهای مستمر پدرش شهیدش از صنعت موشکی اظهار داشت: پدرم با زبان روزه به دست شقی‌ترین دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی به شهادت رسید و حقیقتاً تلاش کرد تا کشور را به اقتدار برساند. پدرم فرمانده دل‌ها بود؛ یعنی بر قلب‌ها حاکم بود. او همیشه پاک زندگی کرد و همواره تلاش می‌کرد خواسته‌های مردم را اجابت کند. داماد شهید نصیرزاده نیز در این دیدار گفت: شهید نصیرزاده بسیار مهربان و صبور بود و همیشه اهل منزل را تکریم می‌کرد؛ هیچ‌گاه با ما آمرانه صحبت نمی‌کرد و همواره

در زندگی پرکار و پرتلاش بود و در مسائل اعتقادی و معنوی دغدغه داشت؛ افتخار می‌کنیم که او همواره پای ارزش‌های خود محکم و قاطعانه ایستاد بود. دیدار با خانواده شهید سرلشکر غلامرضا سلیمانی فرمانده کل انتظامی کشور در دیدار با خانواده سرلشکر غلامرضا سلیمانی رئیس شهید سازمان بسیج مستضعفین به خصوصیات

سردار احمدرضا رادان، فرمانده کل انتظامی کشور و سردار بهمن کارگر، رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت با حضور در منزل شهیدان علی لاریجانی، دبیر شهید شورای عالی امنیت ملی، امیر سرلشکر عزیز نصیرزاده، وزیر شهید دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سرلشکر غلامرضا سلیمانی، رئیس شهید سازمان بسیج مستضعفین با خانواده این شهدای والامقام دیدار و گفتگو کردند. دیدار با خانواده شهید لاریجانی

فرمانده کل انتظامی کشور، در دیدار با خانواده شهید لاریجانی به خصوصیات و منش اخلاقی شهید لاریجانی اشاره کرد و اظهار داشت: شهید لاریجانی در عرصه مدیریتی یک فیلسوف کامل و در تصمیم‌گیری‌ها بسیار قاطع بود. در جلسات، نشانه‌هایی از علم و قاطعیت در ایشان دیده می‌شد که کمتر در فردی مشاهده می‌شود و همین ویژگی‌ها موجب می‌شد ارادت و احترام شخصی من نسبت به شهید لاریجانی روزبه‌روز افزایش یابد. سردار رادان با تمجید از صبوری و بردباری شهید لاریجانی گفت: شهید لاریجانی در دوران مسئولیت خود در شورای عالی امنیت ملی، سنگ‌بناهای مهمی را بنا نهادند. دشمن در جنگ رمضان تلاش می‌کرد افراد تأثیرگذار را به شهادت برساند و شهید لاریجانی نیز از جمله چهره‌های مؤثر در میدان نبرد با استکبار جهانی بود. وی تصریح کرد: شهید لاریجانی علاوه بر حضور چشمگیر در دوران دفاع مقدس هشت‌ساله، در سه میدان دیگر؛ یعنی مقابله با صهیونیست‌ها، وطن‌فروشان و آمریکایی‌ها نیز جنگید و مزدی غیر از شهادت برای او بی‌انصافی بود؛ شهدا رفتند تا شفاعت پیروزی را برای ما بگیرند. در ادامه این دیدار، همسر شهید لاریجانی با اشاره به خاطراتی از خصوصیات اخلاقی او تصریح کرد: شهید لاریجانی همواره می‌گفت نیروهای مسلح ما بسیار زحمت می‌کشند و همیشه از نیروهای نظامی و پلیس تعریف و تمجید می‌کرد.

دیدار با خانواده شهید امیر سرلشکر عزیز نصیرزاده ، فرمانده کل انتظامی کشور در این دیدار با اشاره به خصوصیات و منش اخلاقی شهید نصیرزاده طی سخنانی اظهار داشت: شهید نصیرزاده از دوستان و همزمان قدیمی من و حقیقتاً انسانی قابل احترام بود. وی اشاره به خدمات ارزشمند شهید نصیرزاده در نیروی هوایی ارتش، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و ستاد کل نیروهای مسلح یادآور شد: آنچه ما را قانع می‌کند تا سختی‌ها را تحمل کنیم، این است که شهید نصیرزاده اجر اعمال نیک خود که همانا شهادت بود را دریافت کرد. سردار رادان اظهار داشت: شهید نصیرزاده پس از دوران دفاع مقدس، در سه جنگ؛ یعنی جنگ با رژیم صهیونیستی، وطن‌فروشان و امپریالیسم آمریکا حضور داشت و کارنامه‌ای درخشان از خود برجای گذاشت و با شهادتش، کاروان شهادت حضرت آقا را همراهی کرد. فرمانده کل انتظامی کشور ادامه داد: شهادت سرلشکر نصیرزاده مدالی است که متعلق به او و خانواده‌اش است و این حقیقتاً اثر وجودی شهید و شهادت است؛ ما باید تلاش کنیم تا با اعمال خود بتوانیم به مقام شهادت برسیم. در حقیقت، شهید نصیرزاده به بهترین شکل رفت تا شفاعت پیروزی ما را نزد خدای متعال طلب کند و ان‌شاءالله توفیق پیروزی از دقای شهدا شامل حال ما خواهد شد.

اما و اگرهای پر شدن ظرفیت دفن در بهشت زهرا(س)



را پررنگ کرده است. موضوعی که نشان می‌دهد برنامه‌ریزی برای آرامستان‌های آینده، تنها پاسخ به نیازهای امروز نیست، بلکه بخشی از الزامات مدیریت شهری در شرایط عادی و بحرانی به شمار می‌رود. اما و اگرهای پر شدن ظرفیت دفن در بهشت زهرا(س)

شهرداری: تکمیل ظرفیت بهشت زهرا شایعه است در حالی که طی بیش از یک سال گذشته، محمدجواد تاجیک، مدیرعامل وقت سازمان بهشت زهرا(س)، و پس از آن مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای اسلامی شهر تهران، نسبت به محدود بودن ظرفیت دفن و ضرورت تسریع در ایجاد آرامستان‌های جدید هشدار داده بودند. عبدالمطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری تهران، در نشست خبری هفتگی خود به این موضوع واکنش نشان داد و بار دیگر شایعات مطرح‌شده درباره تکمیل ظرفیت بهشت زهرا(س)، آخرین وضعیت این آرامستان و برنامه‌های شهرداری برای توسعه آرامستان‌های جدید را تشریح کرد. محمدخانی در ادامه این جلسه درباره ظرفیت دفن در بهشت زهرا(س) گفت: پیش از این نیز اعلام شده که جانیایی برای احداث دو آرامستان جدید صورت گرفته است. در فرایند فنی سازمان بهشت زهرا(س) و موقعیت کنونی هیچ مشکلی وجود ندارد و تکمیل ظرفیت، شایعاتی است که هرچند وقت یکبار تکرار می‌شود.

وی ادامه داد: پرسنل بهشت زهرا(س) یک فعالیت انسانی و جهادی

موضوع ظرفیت دفن در بهشت زهرا(س) از سال گذشته و پس از اظهارات محمدجواد تاجیک، مدیرعامل وقت سازمان بهشت زهرا(س)، مورد توجه قرار گرفت. تاجیک در یک برنامه زنده تلویزیونی با اشاره به محدود بودن ظرفیت قطعات «روزدفن» گفته بود قبرهای خالی موجود متعلق به شهروندانی است که از سال‌ها قبل آن‌ها را پیش‌خرید کرده‌اند و سازمان امکان استفاده از آن‌ها را ندارد. از همچنین هشدار داده بود که اگر برای ایجاد ظرفیت‌های جدید اقدامی صورت نگیرد، قطعات روزدفن تا اواخر بهار سال بعد تکمیل خواهند شد. این اظهارات در روزهای اخیر بار دیگر در فضای مجازی بازنشر شده و این تصور را ایجاد کرده که ظرفیت دفن در بهشت زهرا(س) به پایان رسیده است.

آخرین قطعه روزدفن زیر دربین رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای اسلامی شهر تهران با اشاره به اینکه آخرین قطعه «روزدفن» بهشت زهرا(س) به عنوان آخرین محدوده دفن اموات پایتخت در حال تکمیل است، بر ضرورت تأمین زمین‌های جدید برای جلوگیری از چالش در تدفین روزانه اموات هشدار داد. مهدی پیرهادی در گفتگو با مهر درباره ظرفیت بهشت زهرا(س) اظهار داشت: در حال حاضر عملیات تدفین در این قطعه بهشت زهرا(س) در حال انجام است و با توجه به حجم ورودی اموات، پیش‌بینی می‌شود این ظرفیت طی مدت بسیار کوتاهی به اتمام برسد.

این عضو شورای شهر تهران با تأکید بر ضرورت تأمین زمین‌های جدید برای دفن اموات از سوی مدیریت شهری تصریح کرد: هم‌اکنون مطالعات لازم توسط مشاوران شهرداری تهران انجام و مصوبات قانونی آن نیز از سوی شورای اسلامی شهر صادر شده است؛ بنابراین فرایند اجرایی این اقدام در سطح شهرداری به پایان رسیده و لازم است موضوع توسط سایر دستگاه‌های ذی‌ربط پیگیری شود.

اما و اگرهای پر شدن ظرفیت دفن در بهشت زهرا(س) پیرهادی با تأکید بر اینکه نباید برای حل این معضل منتظر رسیدن به نقطه نهایی ماند، یادآور شد: رفع این چالش نیازمند همراهی و هم‌افزایی استانداری تهران برای همراه کردن سایر نهادها و دستگاه‌هاست تا زمین‌های شناسایی‌شده برای توسعه آرامستان‌های تهران هرچه سریع‌تر تعیین تکلیف شوند.

این عضو شورا ابراز امیدواری کرد: در موضوع تأمین زمین‌های آرامستان نیز سایر دستگاه‌ها با رویکردی پیشگیرانه همکاری لازم را داشته باشند.

ضرورتی که فراتر از امروز است این در حالی است که از زمان آخرین هشدار محمدجواد تاجیک، مدیرعامل وقت سازمان بهشت زهرا(س)، بیش از یک سال گذشته و طی این مدت بارها بر ضرورت ایجاد آرامستان‌های جدید برای تهران تأکید شده است. اگرچه در این مدت روند بررسی و شناسایی زمین‌های مناسب در دستور کار مدیریت شهری قرار گرفته، اما رخدادهای اخیر از جمله شرایط خاص ناشی از جنگ و ضرورت آمادگی شهر برای مدیریت بحران، بار دیگر اهمیت تأمین ظرفیت‌های جدید برای تدفین



معرفی ۷ عضو تیم کوراش

- تیم ملی کوراش ایران برای حضور در بازیهای آسیایی ناگويا چهار سهمیه در بخش بانوان و سه سهمیه در بخش مردان دارد که پس از برگزاری مسابقات انتخابی و با تصمیم کمیته فنی انجمن کوراش هفت ورزشکار فوق انتخاب و معرفی شدند.
- بر همین اساس در بخش بانوان چهار ورزشکار در دو وزن به این مسابقات اعزام می شوند. طاهره آذریبوند از کیهکیلو و بویراحمد به همراه پردیس عیدی وندی از اصفهان در وزن ۵۷- کیلوگرم، مریم پیمانی از لرستان و فاطمه برمکی از مازندران در وزن ۸۷+ کیلوگرم با هدایت بتول پاکرو به عنوان سرمربی و فاطمه سلامی در این دوره از بازیها حضور خواهند داشت.
- در بخش مردان نیز سه نماینده ایران در دو وزن مسافر ناگويا خواهند بود. مجید وحید بریماتلو در وزن ۶۶- کیلوگرم، رامین و رضا احمد زاده در وزن ۸۱- کیلوگرم(هرسه از خراسان شمالی) با هدایت الیاس علی اکبری به عنوان سرمربی و مصطفی دلیریان به عنوان مربی راهی ناگويا خواهند شد.
- در بخش مردان در صورت عدم اعزام هر کدام از ورزشکاران ، صادق آذرنگ که یک طلای بازیهای آسیایی در کارنامه دارد در وزن ۹۰+ کیلوگرم اعزام خواهد شد.



تحول واقعی

به نقل از وزارت آموزش و پرورش، علیرضا کاظمی در گردهمایی معاونان آموزش ابتدایی ادارات کل آموزش و پرورش سراسر کشور، اظهار کرد: شخصیت دانش آموز در دوره ابتدایی شکل می گیرد، استعدادها شناسایی می شوند، توانمندی ها بروز پیدا می کنند

نگاه وطنی «محفل ستاره ها»

داور «محفل ستاره ها» از نگاه ملی میهنی این برنامه برای کودکان و انتقال مفاهیم کلان برای آنها سخن گفت.

احمد ابوالقاسمی داور «محفل ستاره ها» که در ایام صفر در حال پخش از تلویزیون است



لحن قلعه نویی بد است

پایان رفت پیشکسوت باشگاه پرسپولیس، درباره روند نقل و انتقالات سرخپوشان و جذب ۵ بازیکن از گل گهر سپرجان توسط پرسپولیس گفت: بازیکنان قابل توجهی از گل گهر به پرسپولیس آمده اند و من شناخت کافی از همه آنها ندارم. قطعاً آقای مهدی تارنار دلایل فنی خاص خودش را برای جذب این نفرات داشته است.

وی افزود: در پرسپولیس کمیته فنی وجود ندارد و مشخص است تمام تصمیم های نقل و انتقالاتی با نظر مستقیم سرمربی گرفته می شود. بنابراین آقای تارنار باید پاسخگوی نتایج این انتخاب ها باشد. مدیریت باشگاه هم بازیکنان مورد نظر کادر فنی را جذب کرده و شاید تعداد بالای بازیکنان گل گهر به خاطر هماهنگی و شناختی باشد که سرمربی از آنها دارد. باشگاه سعی داشته جوانگرایی کند که امیدوارم به خوبی این مسیر طی شود و آنها قدر پیراهن پرسپولیس را بدانند.

پیشکسوت پرسپولیس درباره کیفیت خریدهای جدید نیز اظهار کرد: کیفیت این بازیکنان را باید در زمین مسابقه سنجید. باید دید همان کیفیتی که در گل گهر داشتند، در پرسپولیس هم تکرار می شود یا خیر. واقعاً فصل پیش رو غیر قابل پیش بینی است و باید صبر کرد تا عملکرد این ترکیب جدید مشخص شود.

رفت در ادامه با انتقاد از استفاده گسترده از بازیکنان و مربیان خارجی گفت: فوتبال یک ورزش جهانی است و باید با علم روز دنیا پیش برویم. اینکه ورود مربیان و بازیکنان خارجی محدود شده، تصمیم خوبی است اما اگر اختیار با من بود، ورود آنها را به طور کامل ممنوع می کردم. مشخص است پول هایی در این حوزه جابه جا می شود که ارزش فنی آن را ندارد.

وی ادامه داد: بازیکنان با استعداد زیادی در فوتبال ایران داریم که می توانند آینده فوتبال کشور را بسازند. بهتر است هزینه ای که صرف جذب خارجی ها می شود، برای توسعه زیر ساخت ها، زمین های استاندارد و فوتبال پایه هزینه شود.



ژاپن میزبان جام ملت ها

- کمیته اجرایی کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) در تازه ترین نشست خود، ژاپن را به صورت رسمی به عنوان میزبان رقابت های جام ملت های زیر ۲۳ سال آسیا ۲۰۲۸ معرفی کرد.
- این رقابت ها علاوه بر تعیین قهرمان آسیا در رده سنی امید، مسیر صعود تیم های قاره به مسابقات فوتبال بازی های المپیک ۲۰۲۸ لس آنجلس را نیز مشخص خواهد کرد.
- ژاپن در رقابتی نزدیک با کشورهای اردن، قرقیزستان، قطر، ازبکستان و امارات متحده عربی برای کسب میزبانی حضور داشت.
- امارات پیش از پایان روند بررسی پرونده ها از ادامه رقابت انصراف داد و در نهایت کمیته اجرایی AFC با بررسی تمامی درخواست ها، ژاپن را به عنوان میزبان برگزید.
- کنفدراسیون فوتبال آسیا اعلام کرد اگرچه تمامی کشورهای راه یافته به مرحله نهایی، استانداردهای لازم برای میزبانی را در اختیار داشتند، اما برخورداری ژاپن از زیرساخت های مدرن، پایین بودن ریسک های اجرایی و همچنین اجرای سیاست چرخش میزبانی مسابقات مهم در نقاط مختلف آسیا، نقش مهمی در انتخاب این کشور داشته است.
- همچنین کمیته اجرایی AFC این نامه رسمی برگزاری جام ملت های زیر ۲۳ سال آسیا ۲۰۲۸ را نیز به تصویب رساند تا روند آماده سازی این مسابقات وارد مرحله اجرایی شود.

بیانیه باشگاه استقلال درباره توهین به اعضای این باشگاه

همان گونه که هرگونه بی احترامی به باشگاه استقلال و جایگاه آن برای خانواده بزرگ آبی پذیرفتنی نیست، هرگونه بی احترامی به اعضای هیئت مدیره نیز به عنوان یکی از ارکان رسمی باشگاه، مردود و غیر قابل پذیرش است. نقد حق طبیعی دلسوزان استقلال است، اما این حق باید در چارچوب احترام، اخلاق و حفظ منافع باشگاه دنبال شود. متأسفانه در روزهای اخیر، یکی از فعالان حوزه فوتبال و نقل و انتقالات در فضای مجازی با طرح اتهامات و به کارگیری ادبیاتی نامناسب علیه یکی از اعضای محترم هیئت مدیره باشگاه استقلال، مسیری را در پیش گرفته که با اصول اخلاقی، حرفه ای و مسئولیت پذیری اجتماعی فاصله ای آشکار دارد.

باشگاه استقلال ضمن تقبیح این رفتار، تأکید می کند که انتساب هرگونه اتهام بدون ارائه مستندات قانونی و همچنین توسل به تخریب افراد، نه تنها کمکی به شفافیت و نقد سازنده نمی کند، بلکه موجب خدشه دار شدن فضای حرفه ای فوتبال کشور خواهد شد.

امروز بیش از هر زمان دیگری، استقلال به اتحاد نیاز دارد؛ اتحادی که می تواند ضامن موفقیت در نقل و انتقالات، دفاع از حقوق باشگاه، کسب افتخارات ورزشی و تحقق اهداف بلندمدت این مجموعه بزرگ باشد. آینده استقلال باهمدلی، احترام متقابل و یکصدایی خانواده بزرگ آبی ساخته خواهد شد.»

باشگاه استقلال ضمن درخواست برای اتحاد آبی ها درباره بی احترامی به یکی از اعضای باشگاه بیانیه ای صادر کرد.

به نقل از سایت رسمی باشگاه استقلال، در این بیانیه آمده است: «تجربه سال های گذشته نشان داده است هرگاه ارکان باشگاه، هواداران، پیشکسوتان و دلسوزان استقلال در کنار یکدیگر قرار گرفته اند، این باشگاه توانسته بر مشکلات غلبه کند و در مسیر پیشرفت گام بردارد.

در مقابل اختلافات، چندصدایی و تفرقه نه تنها به منافع باشگاه لطمه زده، بلکه در مقاطعی فرصت سوءاستفاده را برای جریانات و نهادهایی فراهم کرده است که حقوق استقلال و میلیون ها هوادار آن را نادیده گرفته اند. باشگاه استقلال معتقد است اختلاف نظر، امری طبیعی و اجتناب ناپذیر در هر مجموعه پویا و زنده است؛ اما آنچه اهمیت دارد، حفظ احترام متقابل و اولویت دادن به منافع باشگاه بر هر دیدگاه و سلیقه فردی است. استقلال از همه ما بزرگ تر است و هیچ موضوعی نباید موجب خدشه دار شدن انسجام و اعتبار این نام پرافتخار شود. هیئت مدیره باشگاه استقلال نیز به عنوان رکنی منسجم از کلیت باشگاه استقلال، همواره در چارچوب مسئولیت های قانونی خود برای تأمین منافع باشگاه و هواداران تلاش کرده و می کند.

